مجله حوزه، شماره 145

**راهبردهاى تحول در حوزه**

**عبد الحمید واسطی**

شناسنامه و چكيده بحث:

موضوع بحث: بررسى چگونگى حركت از وضعيت موجود در حوزه به وضعيت خوشايند.  
هدف بحث: دستيابى به نقطه هاى شروع براى تحول.

##### كليد واژه ها: حوزه علميه, تحول, مهارت محورى.

### چكيده بحث:

در اين مقاله در هفت محور آموزش, تحقيقات, تبليغ, مديريت, فضاى عمومى طلاب, فضاى عمومى جامعه, فرهنگ حاكم بر زندگى طلاب, وضعيت موجود و وضعيت خوشايند, به صورت كليد واژه توصيف شده اند و راهبرد كلان پديدآورى تحول و حركت از وضعيت موجود به وضعيت خوشايند ارائه شده است.  
نقطه مركزى در وضعيت موجود, كاربردى نبودن كارها و تلاشهاى طلاب و نقطه مركزى در وضعيت خوشايند, توليد كيفيت در تلاشهاى طلاب معرفى شده است و راهبرد مركزى براى اين تحول نيز مهارت محورى در كليه تلاشهاست.

### پيش نياز:

مطالب مقاله بر اصول وضع شده و نگرشهاى زير استوار است:  
1. حوزه علميه, مجموعه مراكز و محافل رسميِ آموزشى, تحقيقاتى, تبليغى و مديريتى كه عهده دار فهم, يا روشنگرى, يا دفاع از دين است.  
2. دين, برنامه خداوند براى زندگى انسان در دنيا و شبكه هستى به هدف گذر و پيوستن به ابديت است.  
3. شبكه هستى, شبكه معادله هاى وجودى است.  
4. معادله وجودى, تعيين كميت, كيفيت, جهت, زمان, مكان و رتبه اثرگذارى و اثرپذيرى آفريده ها بر يكديگر است, به گونه اى كه به حركت به سوى هدفى خاص بيانجامد.  
5. فهم, كشف اين معادله ها و روابط است.  
6. ژرفا بخشى فهم, حركت به سمت كشف روابط بيش تر است.  
7. كاربرد, فعال سازى اثرِ يك موضوع براى رفع نقص است.  
8. مهارت, توانايى كاربردى كردن اطلاعات است.  
9. كيفيت, اثرگذارى و اثرپذيريى است كه بيش ترين فعال سازى براى رفع كاستى را داشته باشد.  
10. تحول ايجاد تغيير در ساختارها, فرايندها و راهبردهاى حاكم بر يك سيستم به هدف توليد كيفيت برتر است.  
11. در مديريت تحول, بايد معادله زير حل شود: ايجاد تغيير در… از وضعيت موجود به وضعيت مطلوب, با استفاده از راهبردهاى مورد نظر = توليد كيفيت برتر.

### بدنه بحث: توصيف مبنى و وضعيت موجودِ زندگى:

اگر دين برنامه خداوند براى زندگى انسان است و اگر زندگيِ انسان داراى سطحها و لايه هاى فردى و جمعى, ظاهرى و باطنى, موقت و ابدى است و اگر حركت به سمت هدفِ دين نيازمند تنظيم كليه اين سطحهاست, آن گاه بدون مهارت براى فهم و ارائه دين به صورتى كه توانايى ايجاد اين تنظيم را به انسانها بدهد, نمى توان بر اساس دين زندگى كرد.  
و از آن جايى كه زندگى نمى ايستد و نيازها انسانها را وادار به تلاش براى رفع نياز مى كنند و از آن جايى كه تلاش انسانها در ساختار خلقت انجام مى پذيرد و ساختار خلقت به هم پيوسته, شبكه اى و قاعده مند است, پس تلاش انسانها, ناگزير, در قالب برنامه و قاعده مند صورت مى پذيرد.  
پس اگر دين به صورتى عرضه نشود كه توانايى مديريت زندگى را براى انسان ايجاد كند, انسان به برنامه ها و مديريتهاى رقيب كشيده خواهد شد.  
و از آن جايى كه تجربه هاى بشرى در طول قرنهاى اخير, برنامه ها و مديريتهاى به طور نسبى اثرگذارى را توليد كرده و آثار تمدنيِ گسترده اى را به جاى گذاشته است و معارف دينى در طولِ اين قرنها, به واسطه عوامل برون دينى, انتزاعى تر و فردى تر شده, از حيطه هاى برنامه ريزى و مديريتى فاصله بيش تر گرفته اند, رقابت طرحها و برنامه ها, تجربه ها و فرهنگهاى بشرى با معارف دينى گسترده تر و عميق تر شده است.  
انسانهايى كه مخاطب دين و معارف دينى و حوزه هاى علميه هستند نيز, در طول دهه هاى اخير, به واسطه زندگيِ رسانه اى, از موقعيتهاى رقيب, حس ّ بيش تر پيدا كرده و سطح دانايى آنان نيز نسبت به پديده ها و وقايع افزايش يافته است. پرسش گرى, تحليل گرى, نقادى, جرأت و جسارت مخالفت نيز از شاخصهاى كسانى است كه امروزه مخاطب حوزه ها هستند.  
اين, توصيفِ وضعيتى است كه حوزه هاى علميه با آن رو به رو هستند, وضعيتى كه هرچه زمان رو به جلو مى رود تشديد مى شود.

### وضعيت عمومى موجود در حوزه هاى علميه:

طلاب, كتابهاى زيادى را مى خوانند, مباحثه مى كنند و امتحان مى دهند, ولى كم تر اثربخشى اين مطالب در از ميان برداشتن دشواريها و كاستيهاى زندگى خودشان و ديگران ديده مى شود.  
تحقيقاتى كه در فضاى عمومى حوزه در جريان است بر اساسِ توليدى است كه صاحب نظران و متخصصان فن پيش از اين انجام داده اند, و حال دوباره بازسازى و عرضه مى شوند. اين تحقيقات در قالب برنامه كاربردى نبوده, به صورت مسائلى فردى يا تئوريك ارائه مى شوند.  
تلاشِ عمده در مجالس و محافل تبليغى بر ايجاد وجد و شور معنوى در مخاطب است.  
مديريت كلان حوزه, با تمامى تلاشى كه براى بالابردن سطح علمى حوزه ها انجام مى دهد, خروجى عمليِ آن حفظ وضعيت موجود و نظم دهى بيش تر به امور براى نظارت جامع و صحيح بر آن است.  
عموم طلاب, خود را مبلغانى كه موظف به انتقال پيام دين به مردم هستند, مى بينند و در مقايسه با ديگر اقشار جامعه, دست خود را از امكانات حداقليِ عموم نيز كوتاه مى بينند.  
عموم طلاب, سبك و اسلوب زندگى اى به مانند فرهنگ حاكم بر جامعه دارند, حكومت رسانه بر خانه, ساعتهاى خواب و بيدارى, نوع خوراك و تحركِ آنان, همانند فضاى عمومى است.  
عموم مردم, طلاب را به دليل بستگى به دين و دينى بودن حكومت, توجيه كننده رفتارها و تصميمهاى حكومت مى دانند كه از امكانات دولتى و زندگى برتر از متوسط برخوردار هستند.  
اين وضعيت در هفت محور در جدول زير ترسيم شده است:  
  
رديف محور توصيف وضعيت موجود  
  
آموزش  
تحقيقات  
تبليغ  
مديريت   
فضاى عمومى  
طلاب   
فرهنگ حاكم  
بر زندگى  
طلاب  
تصور فضاى  
عمومى جامعه  
نسبت به  
حوزه   
  
انبوه خوانى و حافظه محورى  
جمع آورى اطلاعات  
احساس محورى  
حفظ و گسترش وضعيتِ موجود  
احساس هويت تبليغيِ خطابه اى  
و نارسايى در زندگى  
  
فرهنگ زندگى عمومى روزمره  
  
  
توجيه كننده رفتارهاى نظام و  
برخوردار از امكانات  
  
توصيف وضعيت خوشايند در حوزه هاى علميه:  
جدول زير وضعيت خوشايند را در محورهاى هفت گانه ياد شده ارائه كرده است:  
  
رديف محور توصيف وضعيت خوشايند موجود  
  
آموزش  
  
تحقيقات   
  
تبليغ  
  
مديريت  
  
فضاى عمومى  
طلاب  
فضاى عمومى  
جامعه  
فرهنگ حاكم  
بر زندگى طلاب

### طلابِ داراى مهارتهاى كيفى

(توانايى استفاده از اطلاعات در عمل براى بالا بردن كيفيت زندگى)  
توليد سيستمها و مدلهاى دينيِ قابل رقابت با سيستمهاى بشرى  
طلابِ داراى مهارت فعال سازى تفكر براى افزايش مديريت احساس در مخاطب  
برنامه ريزى و اجراء براى توليد كيفيت (كيفيت سازى)  
گسترده بودن احساس عبوديت و هويّت آموزشى و مشاوره اى و تبليغى  
شناخته شدن حوزه به عنوان مشاور برتر براى ارتقاء زندگى در سطح خُرد و كلان

### فرهنگ زندگى علمى

در حوزه مطلوب, طلاب نه فقط مى دانند, بلكه مى توانند. مى توانند از اطلاعاتِ خود در عمل براى حل مسائل و كاستيهاى زندگى استفاده كنند.  
تحقيقات در اين حوزه, تنها امورى انتزاعى نيستند, بلكه در جهت شكل دهى به جريان زندگى فردى و جمعى, بر اساس نگرش اسلام طراحى مى شوند.  
در اين حوزه, طلاب تلاش دارند هنگام تبليغ, فضايى آموزشى پديد آورند, تا مخاطبان نه فقط بدانند كه تفكر, گرايش و رفتار برتر چيست, بلكه برنامه قدم به قدم براى عملياتى كردن آن را هم در دست داشته باشند.  
مديريتِ حوزه مطلوب, به طور مستمر به دنبال بهبود كيفيت و پديد آوردن اثر عميق تر و پايدارتر است.  
فضاى اين حوزه به گونه اى است كه عموم طلاب, سال به سال روحيه بندگى را در خود قوى تر مى يابند و موقعيت و نقش خود را در اجتماع, نقشى آموزشى, مشاوره اى و در نهايت تبليغى مى يابند و مهارت آموزش و مشاوره را از خود بروز مى دهند. و به همين ترتيب فضاى عمومى جامعه, با احساس تلاشها و شايستگيهاى مهارتيِ طلاب, آنان را مشاورانى برتر براى بهبود كيفيت زندگى و از ميان برداشتن دشواريهاى خود مى يابند. سازمانها و دستگاه هاى كلان, نه فقط براى اقامه نماز يا مديريت امور عقيدتى و مناسبتها, بلكه براى بهبود كيفيت سازمان و رفتارهاى سازمانى, خود را به مشاوره طلاب نيازمند مى بينند.  
هنگامى كه ناظر بيرونى به زندگى طلابِ حوزه مطلوب نگاه مى كند, زندگى مالى يا اجرايى يا بازنشستگى را در آنان نمى بيند, بلكه نشاط يك زندگى علمى را مى بيند كه از صبح تا شب در تلاش براى آگاهيِ كاربرديِ بيش تر است.  
  
راهبردهاى حركت تحول آفرين از وضعيت موجود به وضعيت خوشايند

### راهبرد كلان:

از آن جايى كه دانايى محورى, به تنهايى تحول آفرين نيست, به استناد (العلم يُرشِدُك و العمل يَبلُغُ بك الغايه)1, آن چه مى تواند وضعيت موجود را به سوى وضعيت مطلوب حركت دهد, مهارت محورى است كه عنصر اصلى تحول آفرينى قرار گرفته است.  
ييعنى براى حركت به سمت وضعيت خوشايند, بايد هدفهاى آموزشى, تحقيقاتى, فرهنگى, از محور نگرشى و دانشيِ صِرف, ارتقاء يافته به محور مهارتى برسند و در محور نگرشى و دانشى, اهداف از سطح فهم حافظه اى ارتقاء يافته و به سطح فهم كاربردى تعالى پيدا كنند و در محور مهارتى و رفتارى, هدفها از سطح توانايى به سطح مهارت در اجراء برسند.  
چنين حوزه اى, مهارت محور است و تلاش استادان و شاگردان براى توليد اطلاعات لازم براى به كارگيرى در عمل است. طلاب چنين حوزه اى را تنها در حال شنيدن سخنرانى استاد در كلاس و سپس شنيدن تكرار اين سخنرانى از سوى هم بحث مشاهده نخواهيد كرد; بلكه طلاب را بيش تر در حال تفكر و حل تمرين و همفكرى و گفت و گوهاى علمى و نوشتن خواهيد يافت. اين طلاب در رو به رو شدن با مردم, از بيسواد گرفته تا متخصصان رشته هاى علمى و تجربى, مى توانند به سوالِ (نظر اسلام در مورد… . چيست؟) پاسخ بگويند و در برابر درخواستِ منطقِ چنين نظرى, استدلال كنند و نسبت به نقد و شبهه هاى وارده به اين نظر, دفاع علمى نمايند.2 اين طلاب وقتى جايى از قرآن, يا نهج البلاغه باز مى شود مى توانند محتواى متن را براى مخاطب به گونه اى بيان كنند كه گويا الان مورد خطاب خداوند است و مقصود و منظور او را حس ّ مى كند; اخلاقِ يك عالم دينى در اين طلاب نهادينه شده است3 و به زندگى علمي4 علاقه وافر دارند.

### ايجاد مهارتهاى كيفى

### ترويج فرهنگ (زندگى علمى)

مهارت كِيفى را بر اساس نيازهاى زندگى و محورهايى كه علوم و معارف اسلام عهده دارند, مى توان با ده شاخص توصيف كرد:  
مهارت ترجمه بلاغى گزاره هاى دين (يعنى توانايى انتقال حسِّ موجود در عبارات به مخاطب).  
مهارت كشف مغالطات در گفتارهاى روزمره و در گفتارهاى علمى.  
مهارت ارائه استدلالها به صورت قالبهاى منطقيِ پايه.  
مهارت تبيينِ نگرش, قانون و فرهنگ اسلام به صورت سيستمهاى ملموس در زندگى.  
مهارت تنظيم قراردادهاى مورد نياز مردم بر اساس معيارهاى شرعى و قانونى.  
مهارت مشاوره براى حل و فصل اختلافهاى رايج حقوقى.  
مهارت اثبات به هم پيوستگى و خردمندانه بودن و كارآمدى سيستمهاى دينى.  
مهارت اثبات برترى سيستمهاى دينى نسبت به سيستمهاى مشابه.  
مهارت مشاوره فرهنگى و رفتارى براى حل مشكلات زندگى.  
مهارت عبوديت.  
مهارت در دو سطح گفتارى و نوشتارى و در چهار حوزه داخلى, بين المذاهب, بين الاديان و بين الملل.  
راهبردهاى خاص:  
در جنبه ها و زاويه هاى گوناگون تلاشهاى حوزه, جدول زير, نمونه هاى راهبردهاى حركت از وضعيت موجود به وضعيت خوشايند را ارائه كرده است.  
  
راهبردهاى محورهاى خاص:  
رديف  
محورها  
كتابهاى درسى  
  
شيوه تدريس   
  
شيوه امتحانات  
و ارزيابيها  
استادان  
مدارك و مدارج علمى  
مدرسه هاى علمى  
تحقيقات   
پايان نامه ها  
  
تبليغ  
تأليف  
  
نخبگان  
  
مديريت  
خدمات  
  
امور مالى و شهريه  
  
فرهنگ عمومى طلاب  
  
  
نمايه وضع موجود  
حركت به سوى  
ساده سازى براى حفظ  
انتقال مطالب كتاب به علم آموزان   
ارزيابى حافظه در انتهاى هر سال  
سخنرانان علمى  
معيار پرداخت در استخدام  
محل خدمات آموزشى و خوابگاهى  
علم محورى  
ابزار اخذ مدرك  
  
سخنرانى اخلاقى  
ارائه كليات و مبانى  
  
انتخاب با معيارهاى كمّى و حافظه اى  
روزمره و مساله محور  
مراجعه اى   
  
پرداخت چهره به چهره و يكسان  
  
تلاش براى تبليغ و اصلاح مردم  
  
  
استراتژى وضعيت خوشايند  
حركت به سوى كاربردى سازى براى عمل  
توليد مطالب كتاب توسط علم آموزان  
ارزيابى كارآمدى و كارآيى در انتهاى هر علم  
راهنمايان تحقيقات علمى  
معيارِ كيفيت علمى  
مركز مطالعات و تحقيقات علوم و معارف اسلام  
توليد مدل و سيستم  
حلال مشكلات زندگى فردى و جهانى  
فعال سازى تفكر  
توليد مدل هاى اجرايى مستند به مبانى  
انتخاب بر اساس معيارهاى كيفى و تحليلى  
آينده ساز و شاخص محور  
شهرك هاى علمى يا خدمات متحرك  
واريز به حساب و متفاوت بر اساس توليدات علمى و فعاليت هاى مرتبط  
تلاش براى توليد مدل هاى زندگى اسلامى  
  
از آن جايى كه مركز و محور عمده در حوزه, تلاشها و كارهاى آموزشى است, بر اساس راهبرد كلانِ (مهارت محورى) براى ايجاد تحول در حوزه هاى علميه, راهبردهاى تحول در نظام آموزشى حوزه با تطبيق بر مصاديق, در قسمت بعد ارائه مى گردد.  
  
برنامه راهبردى تحول در نظام آموزشى حوزه  
بخش مقطع بندى علمى تحصيلات بر اساس شاخصها و هدفهاى مقطع عمومى  
مقطع بندى تحصيلات بر اساس شاخصهاى سه گانه سطحهاى فهم و ادراك, سطحهاى احساس و گرايش, سطحهاى عمل و مهارت به شرح زير پيشنهاد مى گردد:  
مقطع عمومى: بداند, علاقه به زندگى علمى را ابراز كند, بتواند تبيين كند و به گونه اى شرح دهد كه مخاطب از عهده تصور مطلب بربيايد. برترى مطالب موردنظر را بر موارد همانند احساس كند, بتواند در برابر چراها, استدلال منطقى ارائه كند و در برابر نقدها از منطق خود به دفاع برخيزد.  
, مقطع تخصصى: تحليل كند, مدل بدهد, بتواند براى عملياتى شدن يك نظر برنامه بدهد, در برابر نظريه پردازان و متخصصان ديگر از ادعاى خود دفاع كند و ادعاى آنان را نقد نمايد.  
, مقطع فوق تخصصى يا نظريه پردازى: نظريه بدهد, خلاقيت را در مسير فعاليت خود احساس كند, بتواند دستگاه فكرى به هم بافته اى را در كرسيهاى نقد و نظر به اثبات برساند.  
از آن جايى كه هويت حوزه از جهت علمى, رشته اسلام شناسى است, پيشنهاد مى گردد عنوان مقاطع به صورت زير عنوان بندى شود:  
  
مقطع اسلام شناسى عمومى = اسلام شناس عمومى (با عموم5 مردم رو به روست)  
مقطع اسلام شناسى تخصصى = اسلام شناس تخصصى (با نخبگان و اهل تخصص6 در علوم انسانى, تصميم گيران و برنامه ريزان رو به روست).  
مقطع اسلام شناسى فوق تخصصى(نظريه پردازى) = اسلام شناس نظريه پرداز (با متخصصان اسلام شناس رو به روست).  
تعريف مقطع اسلام شناسى عمومى در حوزه علميه:  
از آن جايى كه برنامه ريزيها بر اساس نيازها و هدفها صورت مى گيرد در تعريف مقطع عمومى نيز ابتدا بايد نياز موجود به علوم و معارف اسلام در سطح عمومى بررسى شود.  
نياز موجود:  
جامعه معاصر و آينده, نياز به كسى دارد كه نگرش, قانون و فرهنگ اسلام را بداند و بتواند به آن عمل كند و به گونه اى انتقال دهد كه عموم مردم, كه سطح اطلاعات گسترده دارند و پرسش گر و مقايسه گر و نقاد هستند, به آن عمل كنند.7 يعنى از عموم طلاب كه در ديروز انتظار مى رفت بتوانند تنها انتقال دانش داشته باشند و بگويند تا مخاطب بشنود و بپذيرد, امروزه و فردا انتظار مى رود بتوانند با مخاطبى با خصوصيات پرسش گرى و مقايسه گرى و نقادى طورى رفتار كنند كه با علاقه به اسلام عمل كند.  
پس, اسلام شناس عمومى كسى است كه داراى شاخصهاى زير است:8  
1. نگرش, قانون و فرهنگ اسلام را در امور گوناگون زندگى مى داند و مى تواند دانش خود را به گونه اى ارائه دهد (هم گفتارى و هم نوشتارى) كه:  
ا. مخاطب بتواند مفاهيم و مطالب را تصور كند.  
ب. منطقى بودن آن را احساس كند.  
ج. برترى آن را بر موارد همانند دريابد.  
د. فراگير بتواند چرايى مطلب را ارائه بدهد.  
هـ. بتواند در برابر نقدها پاسخ گو باشد.  
و. بتواند به سؤالِ: (بر اساس چه دليل و مدركى اين مطلب را به اسلام نسبت مى دهيد؟) با استناد به منابع دست دوم كه بايد مقبوليت نسبى عمومى آنها را اثبات كند, پاسخ بگويد.  
2. بتواند متون دست اول اسلام را براى مخاطب عصر خود, به گونه اى ترجمه كند كه احساس كند در فضاى متن قرار گرفته است و بتواند مقصود و مراد گوينده را با استناد به منابع تخصصى توضيح دهد.  
3. اخلاق حرفه اى مربوط به عالم دينى را مى شناسد و رعايت مى كند.  
4. پيش نيازهاى علمى و مهارتهاى لازم براى ورود به مقطع تخصصى را احراز كرده است.  
براساس نياز و شاخصهاى ياد شده, هدفهاى مقطع عمومى به شرح زير پيشنهاد مى شود:9

### هدفهاى مقطع تحصيلى اسلام شناسى عمومى در حوزه هاى علميه:

اين هدفها در سه واحد آموزشى توزيع مى شوند:10  
1. هدفهاى واحدهاى آموزشيِ زبان دانى.  
2. هدفهاى واحدهاى آموزشيِ روش شناسى.  
3. هدفهاى واحدهاى آموزشيِ دين شناسى.  
أ. هدفهاى واحدهاى آموزشيِ دستيابى به كليّت و منابع دين.  
ب. هدفهاى واحدهاى آموزشيِ دستيابى به نگرش و عقايد دين.  
ج. هدفهاى واحدهاى آموزشيِ دستيابى به قانون دين.  
د. هدفهاى واحدهاى آموزشيِ دستيابى به فرهنگ و اخلاق دين.  
هدفهاى واحدهاى آموزشيِ زبان دانى (ادبيات عرب و ادبيات فارسى)  
هدف مركزى و حداقل لازم:

### ايجاد مهارت انتقال پيام خداوند به مخاطب امروز

به گونه اى كه مخاطب بتواند علاوه بر تصور اوليه مفاهيم, غرض متكلم را دريابد.  
(مهارت ترجمه به بلاغى قرآن و حديث)

### شاخص اندازه گيرى:

, فراگير بايد بتواند نمونه ترجمه اى از قرآن بنويسد به گونه اى كه خواننده پس از خواندن, ابراز كند گويا مستقيماً مخاطب خداوند بوده است و معانى آيات را به روشنى دريافته است.  
هدفهاى تكميلى در واحدِ آموزشيِ ادبيات عرب و ادبيات فارسى:  
1. بتواند متون علمى عربى قديم و جديد را با كمك گرفتن از كتابهاى لغت ترجمه كند و در صورت نقد شدن, از ترجمه خود به دفاع علمى بپردازد.  
2. بتواند براى تشخيص ريشه ها و وزنها و تركيبها و سياقهاى همانند استدلال بياورد و تفاوت آنها را در ترجمه آشكار سازد.  
3. جدول لغت معنيِ دقيق11 از تمام ريشه هاى كلمات قرآن و ادعيه تهيه كند.  
4. بتواند مَثَلها و تشبيه ها و استعاره ها و كنايه هاى قرآن و نهج البلاغه و ادعيه رايج را بر اساس معادله هاى ادبى تحليل و تفسير كرده, معادل فارسى براى آنها عرضه نمايد.  
5. بتواند تحليلهاى ادبى در تفاسير12 و مباحث فقهى را با مراجعه به منابع ادبى, ارزيابى كند.  
6. بتواند بررسى تطبيقى ميان سبك گفتارى و محتوايى قرآن و گفتارهاى بشريِ در موضوعات همانند, انجام دهد و مخاطب را قادر به مقايسه و قضاوت نمايد.  
7. بتواند مقاله اى علمى را, در موضوعات علوم دينى, كه حاوى آيات و روايات و نصوص تاريخى, تفسيرى, فقهى و اسامى اشخاص و اماكن, كتب و اشعار است در يك مجمع علمى بدون غلط و با لحن متناسب با معانى جملات به عربى و فارسى قراءت كند و در صورت ايرادِ نقد به درست خوانيِ او, بتواند با استناد به قواعد ادبى, عملكرد خود را اثبات كند.  
8. بتواند مقاله اى به زبان فارسى يا عربى دربردارنده موارد بالا را كه در چنين مجامعى قراءت مى شود بفهمد و به پرسشهايى كه درباره آن مقاله مى شود پاسخ بگويد.  
9. بتواند از ديوانها, دائره المعارفها و پايگاه هاى اطلاعاتى فارسى و عربى استفاده كند و به پرسشهايى كه درباره آنها مى شود پاسخ بگويد.  
10. بتواند يادداشتهاى درسى, محتويات وبلاگ, تبادلهاى نوشتارى را در اتاقهاى گفت و گو و نامه هاى الكترونيكى, بدون غلط در دستور زبان و در املا به فارسى و عربى بنويسد.  
11. بتواند در تبادلهاى گفت و گويى در اتاقهاى گفت و گو و در گفت و گوهاى غيررسمى با افراد, نگرش, قانون و فرهنگ تشيع و شيعيان ايرانى را به فارسى و عربى توصيف كند.  
12. در استفاده از كلمه هاى فارسى هنگام صحبت يا كتابت و معادل گذارى هنگام ترجمه, از كلمه هايى استفاده كند كه بيش ترين انس را با مخاطب و با ادبيات دين دارد. (برآيندى از تناسب با انس مخاطب و تناسب با كلمه ها و تعبيرهاى به كار رفته در منابع دينى عربى).  
13. بتواند اشعار را بخواند و بفهمد و از اشعار و ضرب المثلهاى فارسى و عربى در كلام و نوشتار خود استفاده كند.  
14. بتواند مقاله اى علمى در هريك از موارد زير بنويسد:  
أ. هويّت زبان و ادبيات  
ب. علم زبان شناسى  
ج. سبكها و ساختارهاى زبانى  
د. معجم شناسى و اعتبارسنجى آنها  
هـ. دستور زبان  
و. دلالت  
ز. نشانه شناسى  
ح. معنى شناسى  
طـ. نقد ادبى  
يى. هويّت بلاغت  
ك. بلاغت و اعجاز قرآن  
ل. ويژگيها و تمايزهاى زبان عربى  
م. هويت ترجمه و تئوريهاى ترجمه  
ن. نقد ترجمه متون دينى  
س. كتابشناسى ادبى  
ع. شخصيت شناسى ادبى  
15. بتواند براى محافل علمى و رسمى, نامه خطى با خط تحريرى بنويسد, به گونه اى كه بيننده خطِ نامه احساس كند با فردى تحصيل كرده و آراسته رو به روست.  
هدفهاى واحدهاى آموزشيِ روش شناسى  
(روش تحصيل در حوزه, روش تحقيق در علوم انسانى, منطق و معرفت شناسى)  
هدف مركزى و حداقل لازم: (به ترتيب واحدهاى فوق)  
  
ايجاد مهارت يادگيرى به گونه اى كه بتواند از اطلاعات در عمل استفاده كند  
دستيابى به مهارت كشف اطلاعات لازم براى حل مسأله و ارائه آنها  
ايجاد مهارت استدلال و نقد يك دستگاه فكرى و اجزاى آن

### شاخص اندازه گيرى:

فراگير بايد بتواند براى تصميمها و رفتارهاى تحصيليِ خود استدلال آموزشى بياورد.  
, فراگير بايد بتواند در برابر هر مجهولى كه به او داده مى شود, نقشه و برنامه و راه حل تهيه كند و اجرا نمايد.  
, فراگير بايد بتواند ادعاى خود را با استفاده از قالبهاى منطقى اثبات نمايد و مغالطات موجود در ادعاى رقيب را نشان دهد.  
هدفهاى تكميلى در واحد آموزشيِ روش تحصيل در حوزه و واحد آموزشى. روش تحقيق در علوم انسانى:  
1. بتواند هويت حوزه و طلبگى را (هم به صورت نوشتارى و هم به صورت گفتارى) به گونه اى روشن كند كه ضرورت و كارآمدى آن در دنياى معاصر, براى مخاطبى كه پيش ذهنيتهاى غلط دارد, درخور درك شود.13  
2. فراگير بايد بتواند از انتخاب خود نسبت به طلبه شدن دفاع خردمندانه بكند.  
3. تحصيل در حوزه و قرار گرفتن در جايگاهِ طالب علوم و معارف اسلام و انتخاب يك زندگى علمى, براى او از يك انتخاب اوليه به يك فرهنگ برتر تبديل شود.  
4. اهميّت حركت آگاهانه و قدم به قدم براى تحصيل را احساس كند, به طورى كه اقدام به برنامه ريزى براى زندگى علمى و عملى خود نمايد و در برنامه ريزى تحصيلى بتواند برنامه كاربردى و درازمدت داشته باشد.  
5. بتواند ضرورت حركت آگاهانه و قدم به قدم بر اساس نقشه علمى, براى تحقيق را اثبات كند, به طورى كه مخاطب بتواند نسبت به محتواى مطالعاتى كه دارد اعتبارسنجى كند.14  
6. بتواند بر اساس فرآيند و روش انجام يك تحقيق علمى موجّه در زمينه علوم و معارف اسلام بازتوليد15 علم كند.  
7. بتواند هندسه و شبكه به هم پيوسته علوم و معارف اسلام را به صورت يك دستگاه فكرى و رشته علمى تبيين كند, به گونه اى كه مخاطب بتواند به پرسشهايى كه راجع به موقعيت هر علم و محورهاى ارتباطى علوم با يكديگر و با زندگى معاصر مى شود, پاسخ بگويد.  
8. بتواند در مسير تحصيل, مهارتهاى زير را كم كم به دست آورد و به كار ببرد:  
1. مهارت سوال پردازى و نيازشناسى.  
2. مهارت تفكر و نفوذ به مسأله و توليد اوليه اطلاعات (بدون مراجعه به منابع و اطلاعات موجود).  
3. مهارت كشف ذرات و معادله هاى بنيادين در هر علم و مسأله اى.  
4. مهارت جست و جوى پيوندها و متغيرهاى درونى و بيرونيِ موضوعات (مهارت نگرش شبكه اى).  
5. مهارت جست و جوى منابع و اطلاعاتِ موجود در مورد موضوع و مسأله.  
6. مهارت مطالعه.  
7. مهارت انتخاب و تصفيه اطلاعات بر اساس كارآمدى.  
8. مهارت ثبت, طبقه بندى, ذخيره سازى و بازيابى اطلاعات.  
9. مهارت مطالعات تطبيقى.  
10. مهارت شبيه سازى عملياتى اطلاعات و مدل سازى.  
11. مهارت آينده نگرى و تصميم سازى.  
12. مهارت مباحثه و گفت و گوى علمى.  
13. مهارت جذب و دريافت علم.  
14. مهارت تدوين نگارشهاى علمى.  
15. مهارت توسعه افقهاى علمى.  
16. مهارت مديريت زمان و برنامه ريزى.  
17. مهارت بهبود مستمر.  
18. مهارت عبوديت (با شاخصهاى ياد شده در روايت عُنوان بصرى)

### حداقلى قطعى:

بتواند سطح يادگيرى خود را از فهم اوليه به فهم كاربردى بالا ببرد.  
و بتواند مقاله اى علمى بر اساس قاعده ها و معيارهاى يك تحقيق معيار بنويسد.

### هدفهاى تكميلى در واحد آموزشيِ منطق و معرفت شناسى:

1. ذهن و فكر و چگونگى توليد و تكثّر افكار را بشناسد و ضرورت تفكر خودآگاه و قدم به قدم را احساس كند.  
2. بتواند مفاهيم و تصورات خود و ديگران را به گونه اى بازسازى كند كه از تصور اجمالى و كلى خارج شده و منشاء تصميم و رفتار شوند.16  
3. دستگاه فكرى را بشناسد و چگونگى پديد آمدن يك دستگاه فكرى را بداند و بتواند با مهندسى معكوس به ذرات بنيادين آن برسد17 و دستگاه را دوباره بازسازى نمايد.  
4. بتواند وجود پل و پيوند ميان ذهن و خارج از ذهن را ثابت كند و صدق دستگاه فكرى مورد نظر خود را مستدل نمايد.  
5. توانايى تجزيه و تركيب گفتارهاى روزمره, بويژه آيات و روايات را به قالبهاى منطقى داشته باشد و مقدمات مخفى و غيرمذكور در آنها را آشكار سازد و بررسى نمايد.  
6. توانايى بازشناخت و ارائه لوازم منطقى گفتارها و ادعاها را داشته باشد.  
7. بتواند رابطه منطق و ادبيات را در ضمن دستور زبان نشان دهد.  
8. بتواند رابطه منطق و قضاياى اعتبارى را در ضمن امرها و نهى ها و خوب و بدهاى روزانه نشان دهد و چگونگى توليد اعتباريات از حقايق را در قالب قياس هاى منطقى ارائه كند.  
9. بتواند در كوتاه ترين مسير, استدلال و استدلالهاى متفاوتى براى يك موضوع توليد كند.  
10. بتواند در هنگام رو به رو شدن با يك تفكر و ادعاى غلط, نهَ فقط مخاطب را ساكت كند, بلكه نسبت به اشتباه موجود در تفكرش اقناع نمايد.  
11. منطق جديد را بشناسد و بتواند علت پيدايش و وجوه تمايز آن را با منطق قديم توضيح دهد و قلمرو اعتبار منطق ارسطويى را در برابر نقدهاى منطق جديد مشخص كند.  
12. بتواند از منطق احتمالات و منطق فازى در تحليل گزاره ها و قضاياى روزمره استفاده كند.  
حداقلى قطعى:  
بتواند گفتارها را به قالبهاى منطقى تبديل كند و برهان يا مغالطه را استخراج نمايد.

### هدفهاى واحدهاى آموزشيِ دين شناسى

(كليّت و منابع دين18, نگرش و عقائد دين, قانون دين, فرهنگ و اخلاق دين)  
هدف مركزى و حداقل لازم:(به ترتيب واحدهاى فوق)  
  
1. بتواند دين به معنى عام و دين اسلام به معنى خاص و تشيع به معنى اخص را با ارائه شواهد و مستندات19 به گونه اى معرفى كند كه مخاطب در فضاى رقابت انديشه ها و برنامه ها, علاقه به ديندار شدن20, مسلمان شدن21, شيعه شدن22 را ابراز كند و برنامه قدم به قدم براى عملياتى كردن اين علاقه را در دست داشته باشد.  
2. بتواند دستگاه فكرى دين و نگرش دين نسبت به هستى و اجزاء آن را با استدلال عقلي23 و با اثبات عقلانيتِ مستندات نقلي24 طورى معرفى كند كه مخاطب بتواند كل هستى و موقعيت خود در آن و اهميت اين موقعيت سنجى را احساس كند.25  
3. بتواند براى هر موضوعى در زندگى, در درون دستگاه26 قانونى و فرهنگى دين, قانون دين27 و فرهنگ دين28 را با استفاده از گزاره هاى دين تبيين كند29 و با استفاده از فتاوا مستند سازد و شيوه اجراى آن را به صورت قدم به قدم ارائه نمايد.

### شاخص اندازه گيرى:

فراگير بايد بتواند از عقيده خود در برابر عقايد ديگر در يك جمع عمومى دفاع كند و حداقلِ نصف به علاوه يك از هيأت منصفه, حقانيت او را اذعان كنند.  
فراگير بايد كتابى با عنوانِ (اسلام چه مى گويد؟30 دفتر اول: نگرشها) براى مخاطبِ عام بنويسد كه هيأت داوران راى به صحت استناد مطالب به اسلام و راى به قابليت ايجاد (احساس عقلانيت و انسجام, احساس اجرايى بودن و احساس برترى اسلام بر موارد رقيب) بدهند.  
فراگير بايد شاخص فوق را به صورت (دفتر دوم: قوانين) و (دفتر سوم: فرهنگ) نيز عملياتى سازد.  
هدفهاى تكميلى در واحد آموزشيِ (دين شناسى و كلام جديد):  
1. بتواند هويّت دين, هدفهاى دين, قلمرو دين, كاركرد دين را به گونه اى توصيف كند (هم گفتارى و هم نوشتارى) كه مخاطب با تصورِ آن, تصديق به ضرورت دين دارى و مراجعه به دين در زواياى مختلف زندگى بنمايد.  
2. بتواند علت بسياريِ اديان را روشن كند و شاخصهاى يك دين صحيح و حق را به گونه اى عرضه بدارد كه مخاطب بتواند براى بازشناختِ درستى و نادرستى نمونه موردنظرش, به كار ببرد.  
3. بتواند با ذكر شاهدها و مثالها, سبك گفتارى و ويژگيهاى زبانى دين را در يك بررسى تطبيقى با سبكهاى گفتاريِ ديگر مقايسه كند و دستورالعمل اجرايى براى فهم اوليه گزاره هاى دين و شرائط لازم براى فهم تحليلى آنها را ارائه دهد.  
4. بتواند جدولى تطبيقى از نگرش, قانون, فرهنگ و كاركرد اديان و مذاهبِ جريان ساز در تاريخ بشر تهيه كند و در يك سمينار دانشجويى, نقاط ضعف و قوت هر كدام را ارائه دهد و با استناد به نظر كارشناسان, نگرشها, قانونها و فرهنگهاى رقيب اسلام و تشيع را در زمان حال و آينده عرضه نمايد.  
5. بتواند پاسخ شبهه هاى داراى فراوانى در سطح دانشجويى, اتاقهاى گفت و گو و وبلاگها را به گونه اى بيان كند كه مخاطب نَه فقط ساكت, بلكه قانع شود و تصحيح نگرشى براى او صورت پذيرد.  
6. بتواند راجع به مطالبى كه در مباحث دين شناسى عرضه مى كند, منابع اطلاعاتى (اعم از چاپى, شفاهي31, الكترونيكي32 و شخصيتهاى علمي33) معرفى كند و اعتبارسنجى نمايد.

### حداقلى قطعى:

بتواند دين را به گونه اى معرفى كند كه مخاطب علاقه مند به بررسى آن شود.  
  
هدفهاى تكميلى در واحد آموزشيِ علوم قرآنى و تفسير: (از واحدهاى منبع شناختى)  
1. بتواند در يك چكيده توصيفى (گفتارى و نوشتارى), كل قرآن و تك تك سوره ها را معرفى كند, به گونه اى كه دست كم پاسخ به پرسشهاى زير باشد:  
ا. اين سوره پاسخ به چه پرسشهايى است؟  
ب. هدف اصلى اين سوره چيست؟  
ج. براى رسيدن به هدفِ بالا از چه نقطه اى آغاز شده و چه مراحلى پيموده شده است؟  
د. موقعيت اين سوره در كل قرآن چگونه است؟  
هـ. تمايز اين سوره با سوره هاى همانند چيست؟  
و. چگونه از اين سوره براى رشد در زندگى استفاده كنيم؟  
2. بتواند قرآن و ويژگيهاى آن را با كتابهاى اديان ديگر, مقايسه كند به گونه اى كه مخاطب تصويرى را كه پيروان هريك از اين كتابها در ذهن دارند, حس ّ كند و بتواند برترى قرآن را خود نتيجه بگيرد.  
3. بتواند اثبات كند قرآنى كه در دست دارد, تحريف ندارد و همان وحى الهى به پيامبر اسلام است.  
4. بتواند ويژگيهاى گفتارى و زبانى قرآن را به گونه اى تشريح كند كه مخاطب از سويى علاقه مند به مراجعه مستقيم و تدبر در آيات بشود34 و از سوى ديگر خود را نيازمند مراجعه به تفسير و متخصص ببيند.35  
5. بتواند به سؤالِ انتقاديِ (مطالب چندين قرن گذشته چگونه مى تواند زندگى پيچيده امروز و فردا را مديريت كند؟) با ذكر شواهد و مستندات پاسخ بگويد.  
6. بتواند با استفاده از منابع تفسيرى با سبكهاى مختلفِ روش مند و معتبر, معنى آيات را از زواياى مختلف به دست آورد و به صورت يك جمع بنديِ به هم پيوسته ارائه كند.  
7. بتواند براى سطوح و گرايشهاى مختلفِ مردم منابع تفسيرى مناسب براى مطالعه معرفى كند و شيوه بهره بردارى بهنيه از آن تفسير را توضيح دهد.  
8. بتواند تفاوت ميان آيات همانند در يك موضوع را توضيح دهد به گونه اى كه مخاطب دو تصوير متفاوت در ذهن خود ترسيم كند.  
9. بتواند پاسخ شبهه هاى داراى فراوانى در سطح دانشجويى, اتاقهاى گفت و گو و وبلاگها را به گونه اى بيان كند كه مخاطب نَه فقط ساكت, بلكه قانع شود و تصحيح نگرشى براى او صورت پذيرد.36  
10. منشور راهبردى ايجاد تمدن اسلام را بر اساس آيات قرآن تدوين كند.  
11. بتواند براى فهرستى از موضوعاتِ موردنياز در زندگى, دست كم يك آيه را از حفظ بخواند.  
12. بتواند به سرعت مجموعه هاى موضوعى از آيات را از قرآن بازيابى كند.  
13. بتواند از نرم افزارهاى قرآنى براى مطالعات تطبيقى ميان آيات و ميان تفاسير استفاده نمايد.  
14. در قراءت روزانه قرآن, صحيح و حزين بخواند و كم كم خود را مخاطب كلام الهى احساس نمايد و واسط زبانى را حس ّ نكند و در هر سال نسبت به سال قبل, برداشت و دريافت معنايى بيش تر نسبت به آيات در خود بيابد.  
15. با حسّى كه از آيات پيدا كرده است, براى قراءت سور مختلف در نمازهاى يوميه اشتياق داشته باشد.

### حداقلى قطعى:

بتواند وقتى موضوعى مطرح مى شود, آيات راجع به آن موضوع را به سرعت بازيابى كند و پيام خداوند را در آن آيات به گونه اى توضيح دهد كه مخاطب بتواند در زندگى به كار ببرد.  
  
هدفهاى تكميلي37 در واحد آموزشيِ (علوم حديث)38: (از واحدهاى منبع شناختى)  
1. بتواند در يك چكيده توصيفى (گفتارى و نوشتارى) فهرستى از كتابهاى حديثى شيعه و عامّه را معرفى كند, به طورى كه دست كم پاسخ به پرسشهاى زير باشد:  
أ. كتاب به چه انگيزه اى به احاديث پرداخته است؟  
ب. ساختار طبقه بندى و دسته بندى احاديث در كتاب چگونه است؟  
ج. نقل و مستندسازى احاديث در كتاب چگونه است؟ (ضريب اعتبار كتاب)  
د. ويژگى برجسته كتاب از كتابهاى همانند چيست؟  
هـ. چگونه مى توان از كتاب بيش ترين بهره بردارى را انجام داد؟  
2. بتواند سند يك روايت را پيدا كند و بر اساس نظر متخصصين اعتبارسنجى نمايد39 يعنى بتواند به سؤالِ (سندِ اين حديث كجاست؟ و از كجا معلوم اعتبار داشته باشد؟) پاسخ روش مند و مصداقى بدهد به گونه اى كه سؤال كننده اعتبار حديث را دريابد.  
3. بتواند هنگام استفاده از يك حديث معتبر, براى انتقال حس ّ اعتبار حديث به مخاطب, نكته هاى شخصيت شناسانه از ويژگيهاى شمارى از راويانِ داراى فراوانى در سند احاديث ذكر كند.  
4. بتواند هنگام عرضه حديث غيرمعتبر, نادرستيِ حديث را حدس بزند و پرسشهاى دربردارنده نشانه هاى لازم بر بى اعتبارى را بر گوينده حديث عرضه كند.  
5. فهرستى از احاديثى را كه به اجماع كارشناسان و متخصصان, از اسرائيليات يا جعليات عامه هستند, بشناسد و بتواند بى اعتبارى آنها را با ذكر منبع به مخاطب منتقل كند.  
6. بتواند براى فهرستى از موضوعاتِ موردنياز در زندگى, دست كم يك حديث را از حفظ بخواند.  
7. منشور راهبردى ايجاد تمدن اسلام را بر اساس روايات تدوين كند.  
8. بتواند به سرعت مجموعه هاى موضوعى از احاديث را از منابع بازيابى كند.  
9. بتواند وجه جمع فهرستي40 از احاديث به ظاهر متخالف را ارائه دهد, به گونه اى كه مخاطب اذعان به انسجام كند.  
10. بتواند تحليل و تفسير غريب الحديث41 را به گونه اى كه مخاطب انسجام و منطقى بودن آن را احساس كند, ارائه دهد.42  
11. بتواند هنگام استناد به يك حديث براى ايجاد تغيير در رفتار مخاطب, به سؤال انتقاديِ (از كجا معلوم مطلب اين حديث مربوط به زمان ما هم باشد و اختصاص به زمان صدور آن نداشته باشد؟) پاسخ روش مند و به همراه شواهد بدهد, به گونه اى كه مخاطب اذعان به كليّت و عمومى بودن حديث بنمايد و در به كار بردن سؤال انتقاديِ مذكور براى موارد بعدى ترديد كند.  
12. بتواند از نسخه هاى خطى استفاده كند و به آنها استناد نمايد.  
13. سبك گفتارى و نوع كلمات و تركيبهاى به كار رفته در روايات را در موضوعات مختلف بشناسد به گونه اى كه بتواند فهرستى از كليدواژه هاى صحيح را براى جست و جو به درخواست كننده تحقيق و مطالعه, عرضه نمايد.  
14. بتواند روايات را به زبان زندگى معاصر ترجمه كند.43  
15. بتواند از نرم افزارهاى حديثى و رجالى خاصه و عامه استفاده كند, به گونه اى كه در كوتاه ترين زمان, بيش ترين اطلاعات مرتبط و كم ترين اطلاعات ناخواسته بازيابى شوند.44

### حداقلى قطعى:

بتواند احاديث معتبر براى انتقال نظر دين به مخاطب ارائه كند.  
به گونه اى كه مخاطب را براى ايجاد تغيير در زندگى فعال كند.

### هدفهاى تكميلى در واحدِ آموزشيِ (تاريخ و سيره): (از واحدهاى منبع شناختى)

1. بتواند راجع به موضوعات زير مقاله علمى بنويسد كه اين مفاهيم را توضيح داده و اثرگذارى آنها را بر نگرش به تاريخ ارائه كرده باشد:  
أ. انسان شناسى شهرى.  
ب. جامعه شناسى و معادله هاى كلى آن.  
ج. فرهنگ و تمدن.  
د. سياست و معادله هاى حكومت دارى.  
هـ. استعمار و شيوه هاى عملكرد آن.  
و. روشهاى تاريخ نگارى.  
ز. فلسفه جغرافيا.  
ح. شيوه هاى تحليل و تفسير اسناد, اشياء و عكسهاى تاريخى.  
2. بتواند تجزيه و تركيب45 درونمايه هاى تاريخى را انجام دهد و ابزار تحليل محتوا را در مواد تاريخى به كار ببرد تا توانايى آن را بيابد كه تفاوت تحليلهاى تاريخى انجام شده از سوى كارشناسان و متخصصان را بازشناسد و اثرگذارى اين تفاوت را در نتيجه گيرى نهايى نشان دهد.46  
3. بتواند در برابر سؤالِ انتقاديِ (با توجه به تحولات بسيار گسترده زندگى امروزه, مطالعات تاريخى كاربرد چندانى ندارد و بيش تر بايد به آينده پرداخت!) با ذكر شواهد, اثرگذارى عميق دستيابى به اسباب و علل و روند حوادثِ گذشته را, در برنامه هاى امروز و آينده نشان دهد.47  
4. بتواند در تفسير آيات و رواياتى كه مربوط به پيامبران, اقوام و ملل و تمدنهاى گذشته هستند, گزارشها و مستندات تاريخى ارائه كند و يك جدول تطبيقى از ويژگيها و تمايزهاى آنها عرضه نمايد, به گونه اى كه تصويرى دقيق و شفاف از آيات و روايات مربوط, به دست آيد.48  
5. بتواند شخصيت و فرهنگ49 هريك از انبياء ياد شده در قرآن و هريك از معصومان50 را در يك مقاله علمى, بشناساند و دست كم, ده دقيقه در مورد هريك از آنان سخن بگويد و كارنامه آنان را ارائه كند, به گونه اى كه مخاطب پس از شنيدن, نگرشى جديد و معادله هايى تازه براى تصميم گيرى در خود احساس نمايد.  
6. بتواند فيلم هايى مانند فيلم: محمد رسول اللّه, موسى(ع), امام على(ع) را با ارائه شواهد و مستندات نقد كند.  
7. بتواند افكار و نگرشها و گرايشهاى جريان ساز در طول تاريخ اسلام را در جدولى تطبيقى ارائه دهد و چگونگى اثرگذارى آنها را بر ايجاد حوادث تشريح كند.  
8. بتواند هنگام نقل يك واقعه و حادثه معتبر, با توصيف شاخصهاى اعتبارسنجى شده در آن, حس ّ معتبر بودنِ صحنه را به مخاطب منتقل كند. (بويژه در واقعه كربلا و شهادت هريك از معصومان).  
9. بتواند هنگام نقل يك واقعه تاريخيِ غيرمعتبر, نادرستيِ نقل را حدس بزند و پرسشهاى دربردارنده نشانه هاى لازم را بر واقعى نبودن مطلب, بر گوينده عرضه كند.  
10. بتواند نقلهاى غيرمعتبر قطعى در مراثى معصومان(ع) را با مستندات عرضه كند, به گونه اى كه مخاطب از نقل آنها بپرهيزد.  
11. بتواند علت اختلاف نقلهاى تاريخى را به گونه اى براى مخاطب شرح دهد كه منطقى بودن آن را احساس كند و راه حل دستيابى به حداقلهاى قطعى از تاريخ را نيز به دست بياورد.  
12. بتواند, دست كم, پنج نمونه از تحريفهاى تاريخ را كه از سوى كفار, اهل كتاب, عامه, در گذشته و حال, در كتابهاى تاريخى و دائره المعارفها, انجام گرفته, با مستندات ارائه كند.51  
13. بتواند براى فهرستى از موضوعاتِ مورد نياز در زندگى, دست كم يك صحنه تاريخى از زندگى انبياء و ائمه را از حفظ نقل كند.  
14. بتواند به سرعت قضايا و حوادث تاريخى را از منابع بازيابى كند.  
15. بتواند تقويم مواليد و وفيات و شهادت معصومان(ع) و شمارى از شخصيتهاى مطرح تاريخ اديان و اسلام52 را تنظيم نمايد تا بزرگداشت و توجه ساليانه به آنها انجام شود.  
16. بتواند تقويم تطبيقى درون جهان اسلام با بيرون جهان اسلام را تنظيم نمايد, تا موقعيت مسلمانان و چگونگى عملكرد رسول خدا و معصومان با مقايسه با موقعيت كلان جهانى شفاف تر و دقيق تر قابل تصور و ترسيم باشد.53

### حداقلى قطعى:

بتواند حقايق تاريخى را به گونه اى كشف كند كه براى ايجاد تغيير در آينده بهره بردارى شود.  
  
هدفهاى تكميلى در واحد آموزشيِ (نگرش و عقائد دين)54: (از واحدهاى دين شناختى)  
ابتدا هدفهاى واحد آموزشى فلسفه, سپس كلام و عرفان  
1. بتواند ثابت كند واقعيتهايى هستند. (خارج از خيال و توهم ما)  
2. بتواند ثابت كند اين واقعيتها, يك شبكه و دستگاه منسجم و يكپارچه وجودى را تشكيل داده اند و تصادفى و از هم گسسته نيستند.  
3. بتوانند پيوند55 بين موجودات و ساختار كلان هستى را ترسيم كند و براى مدعيات خود دليل بياورد.  
4. بتواند به پرسشهاى هفت گانه: چه هستيم؟ از كجا آمده ايم؟ چگونه آمده ايم؟ به كجا مى رويم؟ در كجا هستيم؟ با چه موجوداتى هستيم؟ چگونه حركت مى كنيم؟ پاسخ عقلانى بدهد.56  
5. بتواند وجود خدا و ويژگيهاى وجودى او را با برهان عقلى اثبات كند.57  
6. بتواند چگونگى ربط موجودات با خداوند را توضيح دهد و براى مدعاى خود استدلال بياورد.  
7. بتواند چگونگى خلقت جهان را توصيف كند و استدلال بياورد و با فرضيات فيزيك جديد مقايسه كند.  
8. بتواند تصوير فلسفى با استدلال از جهان مادى, ماده, فضا, زمان, نور, انرژى ارائه دهد و با فرضيات فيزيك جديد مقايسه كند.  
9. بتواند توصيفى از جهانهاى ماوراء ماده ارائه دهد و بر آن استدلال بياورد و با توصيفهاى عرفانى (صادق و كاذب) مقايسه كند و اعتبارسنجى نمايد.  
10. بتواند حقيقت نفس و روح و ذهن و رابطه آنها با يكديگر و با بدن را با استدلال توصيف كند و با فرضيات روان شناسى و توصيفهاى عرفانى مقايسه كند.  
11. بتواند نگرشهاى مطرح در فلسفه اسلامى را در يك جدول تطبيقى عرضه كند و اثرگذارى انواع نگرشها را در زندگى, به هستى و شبكه موجودات, به تصوير بكشد, به گونه اى كه مخاطب اهميت دستيابى به نگرشى صحيح و جامع از هستى (داشتن اطلاعات فلسفيِ درست) را دريابد.  
12. بتواند اثرگذارى مبانى فلسفى را در تعليم و تربيت, برنامه ريزى و مديريت, دين شناسى, تصميم گيرى و معنى زندگى, با شواهد و مستندات نشان دهد.  
13. مدعاى فلسفه هاى الحادى و فلسفه هاى شرقى و غربى را بشناسد و بتواند حداقل يك نقد نسبت به آنها ارائه كند.  
14. فهرستى از برهانهاى عقلى و استدلالهاى فلسفى به كار رفته در قرآن و روايات را در دست داشته باشد و بتواند تبيين هاى فلسفيِ متخصصين از اين آيات و روايات را تحليل و تشريح كند.58 (مثلاً بيانهاى موجود در كتاب الميزان و كتاب بحارالانوار)59  
15. بتواند سخنرانيها و مقاله هاى تخصصى فلسفى را درك كند و به پرسشهايى كه در مورد محتواى آنها طرح مى شود, پاسخ بدهد.

### حداقلى قطعى:

بتواند نگرش دين نسبت به هستى و برترى اين نگرش بر موارد رقيب را با استدلال عقلى ارائه كند.  
هدفهاى تكميلى در كلام اسلامى:  
1. بتواند براى تمامى هدفهاى ياد شده در فلسفه, به جاى برهان عقلى, استدلال نقلى بياورد. (در مَثَل بگويد: به استناد آيه… نگرش دين نسبت به چگونگى خلقت اين گونه است كه… . )  
2. جدولهاى تطبيقى بين گزاره هاى دين و فرضيه هاى ديگر نگرشها تهيه كند.  
3. بتواند در صورت ايراد, سوال و يا نقد نسبت به خردمندانه نبودنِ درونمايه گزاره دين, عقلانى بودن درونمايه را ثابت كند.  
4. بتواند دستگاه فكرى دين را به صورت مجموعه اى از گزاره ها (آيات و روايات) به صورت يك شبكه درهم تنيده در يك مقاله, يا سخنرانى علمى با شاهدها و استنادها, ارائه كند. (نگرش اسلام به هستى, انسان و زندگى چيست؟)  
5. بتواند فلسفه دين, انسان شناسى, فلسفه جامعه شناسى, فلسفه تاريخ, فلسفه زندگى, بر اساس نگرش اسلام را با ذكر مستندها, ارائه دهد.  
6. بتواند ضرورت اختيارِ انسان و عدل الهى, ثواب و عقاب, نبوت, امامت و معاد را بر اساس برهان عقلى اثبات كند و گزاره هاى دينيِ نگرش ساز نسبت به اين موضوعات را تبيين كند به گونه اى كه به تغيير تصميم و تغيير رفتار در مخاطب بينجامد.  
7. نگرشها و دستگاه هاى فكرى رقيب,60 در زمان حال و آينده را در موضوعات فوق بشناسد و بتواند آنها را دست كم در يك مورد نقد كند.  
8. فهرستى از شبهه هاى دينيِ مرتبط با نگرشها را كه داراى فراوانى در جامعه و جهان هستند, تهيه كند و بتواند در يك مناظره دانشجويى پاسخ اقناعى بدهد.  
9. بتواند با استفاده از منابع تخصصى, عقلانيت موجود در تمام گزاره هاى دين (آيات, روايات صحيح, سيره قطعيه معصوم) را استخراج كرده و به گونه اى به مخاطب ارائه دهد كه منطقى بودن آنها نمايانده شود.  
10. بتواند شاخصهاى درخور تمايز براى اعتبارسنجى درستى ادعاى يك پيامبر و امام را به گونه اى به مخاطب بشناساند كه او بتواند در صورت برخورد با يك مدعى, اعتبارسنجى عملى اوليه را انجام دهد.

### حداقلى قطعى:

بتواند دستگاه فكرى دين را ترسيم كند و عقلانيت آن را اثبات نمايد.

### هدفهاى تكميلى در عرفان اسلامى:

1. بتواند ثابت كند61 قلب مانند ذهن از منابع شناخت است و دستگاه ادراكى منسجمى دارد.62  
2. بتواند بسنده نبودن ذهنيات و نياز انسان به شهود قلبى را تصوير و ثابت كند.  
3. بتواند چگونگى پيوند آفريده هاى محدود با خالق نامحدود, كيفيت حضور و عملكرد خداوند در هستي63 را تبيين و اثبات نمايد.64  
4. بتواند كيفيت ربط نفس انسان با خداوند را تبيين و اثبات نمايد.  
5. مراحل و عوالم فيمابين نفس انسان و خداوند65 را توصيف كند و براى مدعاى خود استدلال بياورد.  
6. بتواند ويژگيهاى شهود, واردات و خواطر صادق را در هر مرحله توصيف, مستدل و تطبيق كند.66  
7. بتواند چگونگى عبور از هر مرحله و ارتقاء به عالم برتر را توصيف, مستدل و تطبيق نمايد.  
8. بتواند شهودهاى دروغين و خلاف را حدس بزند و با ارائه شواهد و معيارها, بى اعتبارى آن را اثبات نمايد.  
9. براى هريك از موردهاى ياد شده, مدعاى نگرشهاى رايج و رقيب را بشناسد و بتواند در يك جدول تطبيقى با نگرش عرفان اسلام, به قضاوت مخاطب بگذارد.  
10. تحليلهاى عرفانى در تفسير آيات و روايات پيوسته با گزاره هاى عرفاني67 را بفهمد و اعتبارسنجى كند.  
11. بتواند از اشعار با مضمونهاى عرفانى در ادبيات فارسى و عربى براى انذار و تبليغ, وعظ و خطابه استفاده كند و محتواى اين اشعار را براى مخاطب توضيح دهد.  
12. بتواند (انسان كامل) و (ولى اللّه) را بر اساس نگرش اسلام, بشناساند به گونه اى كه مخاطب به روشنى دريابد با بشرى زمينى كه محتويات قلبى ملكوتى دارد, رو به روست و تصورى (درخور برقرارى پيوند) از او به دست دهد و بتواند بنماياند وجود انسان كامل براى هستى ضرورى است و شرح دهد كه انسان كامل چگونه در مديريت هستى نقش دارد؟  
13. بتواند راهبردهاى حركت به سوى اين كمال را توصيف, مستدل و تطبيق كند.68  
14. عرفانهاى دروغين و ناقصِ داراى طرفداران قابل توجه69 را بشناسد و بتواند در يك جدول تطبيقى به قضاوت مخاطب بگذارد و توانايى آن را داشته باشد كه نقدى بر آنها وارد سازد.

### حداقلى قطعى:

بتواند امكان رسيدن به شهود خداوند, كيفيت اين شهود و مراحل آن را تبيين كند.

### هدفهاى تكميلى در واحد آموزشيِ (قانون دين): (فقه, قواعد فقه و اصول فقه)

1. فلسفه فقه و فلسفه حقوق را به گونه اى بشناسد كه بتواند فقه اسلام را در يك دستگاه و نظام حقوقي70 بر اساس معادله هاى عقلانى بيان و در يك جدول تطبيقى با دستگاه هاى حقوقى ديگر مقايسه كند.  
2. بتواند فهرستى از قواعد پايه و مبناييِ دستگاه حقوقى اسلام تهيه كند و موقعيت هريك را در دستگاه حقوقى اسلام شرح دهد, به گونه اى كه كاربرد قاعده در تصميمها و رفتارهاى حقوقى براى مخاطب, درخور درك شود.  
3. بتواند طبقه بندى و دسته بنديهاى متفاوت در ساختار فقه را در يك جدول تطبيقى ارائه دهد و تفاوت كاركرد و اثرگذارى هريك را با شاهدها و مستندها, عرضه كند.  
4. بتواند شبكه كلان زندگى, تمدن, حكومت و زير سيستمهاى آن را به تصوير بكشد و نيازمنديهاى هر قسمت به قانونها و آيينها را شرح دهد, به گونه اى كه مخاطب فهرستى طبقه بندى شده از نيازهاى بشرى را به دست آورد.  
5. بتواند عنوانها و گزاره هاى فقهى را با مسائل و نيازها و دشواريهاى امروز زندگى پيوند دهد و ترجمه مناسب از هريك از عنوانهاى فقهى ارائه نمايد.71  
6. بتواند عملكرد يك مجموعه به هم پيوسته هدف دار (يك سيستم) را تحليل كند و اجزاى روابط, هدف, نقطه شروع و دست كم, نقاط بحران, نقطه تعادل, خروجى, كيفيت برقرارى روابط و تغيير روابط را توصيف كند و بتواند اين تحليل را بر موضوعات فقهى برابر سازد.  
7. بتواند موضوعات فقهى را از جهت موضوع شناسى با مراجعه به منابع توصيف كند,72 به گونه اى كه متخصصان هر موضوع, اين توصيف را معتبر بدانند.  
8. بتواند ثابت كند گزاره هاى دين معنى دار است و بر اساس قواعد تفاهم عرفى, داراى ظهور و قابل برداشتِ مقصود است.  
9. بتواند ثابت كند ظهور هر گزاره دينى در شبكه گزاره هاى دين73 معنى دار مى شود و به تنهايى درخور استناد نيست.  
10. بتواند قواعد و روش كشف مقصود قانون گذار (تفسير متن) را در متون قانونى به كار ببرد.74 و در يك بررسى تطبيقى با عملكرد متخصص, تحليل خود را بازسازى كند.  
11. از ديدگاه هاى مطرح در قواعد و روشهاى تفسير متن كه رقيب به شمار مى آيند75 آگاه باشد و بتواند دست كم, در يك مورد آن را نقد كند.  
12. روند و چگونگى توليد يك قانون و قواعد قانون گذاري76 را بشناسد به گونه اى كه در موارد عدم قابليت استفاده از نص, بتواند مراحل پديد آمدن قانون جديد را براى مخاطب تشريح كند, تا معقوليت و انسجام دستگاه قانونى اسلام, به درستى شناخته شود.  
13. بتواند فهرستى از (احساس تعارض)ها ميان برخى گزاره هاى دين در موضوعات مختلف تهيه كند و قواعد و روش حل اين (احساس تعارض)ها را به كار ببرد, به گونه اى كه مخاطب, تفاوت موقعيتها و تفاوت رتبه ها را در قانون گذارى, ابلاغ و اجراى قانون دريابد.  
14. بتواند آيات الاحكام راجع به هر موضوع را از قرآن بيرون بكشد و با مراجعه به منابع تفسيرى و فقهى, شرحى بر هريك از اين آيات بنويسد و نمونه هاى آن را در زمان حاضر, با استناد به منابع توصيف نمايد.  
15. مجموعه اى از احاديث مبنايى را, كه حامل قواعد هر باب هستند, تهيه كند و شرحى براى هر كدام ارائه بدهد.  
16. مجموعه اى از حداقل هاي77 قطعى قانونى در هر باب را تهيه كند و برنامه دستيابى فردى و اجتماعى و جهانى به اين حداقل ها را به صورت قدم به قدم عرضه نمايد.  
17. مجموعه اى از راه حل ها را براى مشكلاتي78 كه در مسير به حقيقت پيوستن حداقل هاى قانونى پديد مى آيد تهيه و چگونگى استفاده از آنها را براى تصحيح مسير, يا بازسازى موضوع, به صورت قدم به قدم ارائه كند.  
18. بتواند حالتهاى مختلفى را كه ممكن است براى افراد در ارتباط با يك موضوع مشخص پديد مى آيد, فهرست نمايد. (حدس زدن فروعات) و حكم هر حالت را با مراجعه به نظر متخصص به گونه اى توضيح دهد كه مخاطب بتواند قدم به قدم اجرا كند.79  
19. بايد بتواند متن رساله ها را به زبان مخاطب (از بيسواد تا متخصص) ترجمه كند, به گونه اى كه او بداند قدم به قدم چه بايد بكند و نسبت به برخى ابهامها و استغرابها از جهت عقلانى توجيه شود.80  
20. بتواند در توضيح مسائل شرعيِ محورى و كلان در هر باب, به آيات و روايات استناد بجويد و ايجاد حس ّ مخاطب قرار گرفتنِ مستقيم براى افراد و حس ّ مستحكم بودن فتاوا, انگيزه آنان را در انجام دستورهاى شرعى, تقويت نمايد.  
21. بتواند قدر مشترك و متيقن از رساله هاى مطرح در جامعه را استخراج كند و پاسخ قطعى به پرسش كنندگان مختلف با مراجع مختلف, عرضه نمايد و علت اختلاف فتاوى را براى مخاطب شرح دهد.  
22. بتواند متون, مقاله ها و گفت و گوهاى تخصصى فقهى را كه حاوى استدلال است بفهمد و در صورت مواجه شدن با درخواست مستند يك فتوا, مستندها و استدلالِ فتواى موردنظر را با مراجعه به منابع استخراج كند و براى مخاطب توضيح دهد.  
23. بتواند روش قدم به قدمِ يك استنباط و اجتهاد را براى مخاطب شبيه سازى كند, تا تصويرى صحيح از اجتهاد در ذهن مخاطبِ با پيش فرضهاى غلط, ايجاد شود,81 و منشاء تفاوت استنباط ها و اجتهادها را مشاهده كند.  
24. بتواند از متون حقوقى استفاده كند و در يك جدول تطبيقى با احكام شرعى مقايسه نمايد.  
25. بتواند در امور حقوقى (خانوادگى و مالى) مشاوره بدهد, قرارداد تنظيم كند, حل اختلاف نمايد, محاسبه خمس و زكات, ارث و ديه را انجام دهد, معاملات رايج در بازار خرد عمومى و بازارهاى خرد خاص (مانند بورس) و بازارهاى كلان82 را اعتبارسنجى كند.  
26. بتواند قانونهاى اديان و ملتهاى ديگر و قانونهاى مذهبهاى ديگرِ اسلامى را به دست آورد و در يك جدول تطبيقى با قانون اسلامِ شيعى مقايسه كند.  
27. بتواند به پرسشها و نقدهايى مانند موارد زير با ارائه مستندها و شاهدها پاسخ بدهد:  
ا. چرا حقوق بشر نمى تواند ملاك نظامهاى حقوقى قرار بگيرد.  
ب. چگونه قوانين مربوط به ده ها قرن قبل قدرت تنظيم امور پيچيده امروز را دارند؟  
ج. احكام بايد با شرايط زمان و مكان برابر شوند.  
د. آيا تنها مديريت علمى مى تواند جامعه را اداره كند و مديريت فقهى مربوط به امور شخصى است.  
هـ. احكامى مانند ارتداد, قصاص, قيموميت مرد, حجاب, ارث و ديه زن, با حقوق بشر برابر نيست.  
و. آيا اسلام مدلى براى توسعه دارد؟  
ز. آيا با دستگاه قانونى و فرهنگى اسلامى مى توان تمدنى رقيب تمدن غرب ساخت؟

### حداقلى قطعى:

بتواند دستگاه قانونى اسلام را تبيين كند و قوانين خاص در هر موضوعى را از منابع فتوايى استخراج نمايد و برترى و كارآمدى اين قوانين را بر قوانين رقيب, عقلاً اثبات كند.

### هدفهاى تكميلى در واحد آموزشيِ (فرهنگِ دين): (فرهنگ و اخلاقى اسلامى)

1. فلسفه اخلاق را به گونه اى بشناسد كه بتواند فرهنگ و اخلاق اسلام را در يك دستگاه و نظام رفتارى بر اساس معادله هاى عقلانى تبيين كند و در يك جدول تطبيقى با نظامهاى فرهنگى و اخلاقيِ ديگر بسنجد.  
2. بتواند فهرستى از قواعد پايه و مبناييِ دستگاه اخلاقى اسلام را تهيه ببيند و جايگاه هريك را در اين دستگاه توضيح دهد, به گونه اى كه كاربرد قاعده در تصميمها و رفتارها براى مخاطب درخور درك شود.  
3. بتواند شبكه كلان زندگى, تمدن, حكومت و زير سيستمهاى آن را به تصوير بكشد و نيازمنديهاى هر قسمت به فرهنگ و اخلاق خاصِ خود را شرح دهد, به گونه اى كه مخاطب فهرستى طبقه بندى شده از نيازهاى فرهنگى و اخلاقى بشرى را به دست آورد.  
4. بتواند عنوانها و موضوعهاى فرهنگى و اخلاقى را با مسائل و مشكلات امروز زندگى پيوند دهد. ترجمه مناسب از هريك از عنوانهاى اخلاقى ارائه بدهد.83  
5. بتواند گزاره هاى فرهنگى و اخلاقى را از جهت موضوع شناسى با مراجعه به منابع مربوطه توصيف كند,84 به گونه اى كه متخصصان هر موضوع اين توصيف را معتبر بدانند.  
6. چگونگى توليد و پيدايش (بايدها و نبايدها), (خوب و بد) را بشناسد و بتواند آن را به گونه اى به مخاطب نشان دهد كه پشت صحنه هاى تصميمات و رفتارهاى او برايش آشكار شده, به دنبال تغيير در نگرش85 و رفتار برآيد.  
7. بتواند ديدگاه هاى مختلف در مورد (سعادت), (كمال), (عدالت) و (ايمان) را در يك جدول تطبيقى ارائه كند, به گونه اى كه اين مفاهيم, از مفهومى اجمالى براى مخاطب به مفاهيمى داراى شاخص درخورِ اندازه گيرى تبديل شود.  
8. مدعيات روان شناسى رشد و روان شناسى تربيتي86 را بشناسد87 و بتواند در يك جدول تطبيقى با نظرات اسلام بسنجد.88  
9. مدعيات جامعه شناسي89 را بشناسد و بتواند در يك جدول تطبيقى با نظرات اسلام بسنجد.  
10. بتواند مكتبهاى مختلف اخلاقى را در يك جدول تطبيقى با مكتب اخلاقى اسلام مقايسه كند و مخاطب را براى حكم به برترى آن به قضاوت بكشاند.  
11. بتواند راجع به فرهنگ و مهندسى فرهنگى و ابزارهاى فعال90 مثبت و منفى در اين مورد مقاله اى علمى ارائه كند.  
12. بتواند رابطه نگرشها, قانونها و فرهنگ ها را به صورت معادله هاى راهبردى ارائه نمايد و نقش ذهن, خواطر, گرايشها و دريافتهاى قلبى را در تغيير رفتارها تبيين كند و برنامه عملياتى براى بهينه سازى آنها عرضه نمايد.  
13. بتواند نگرش خود را به اخلاق از (دستوراتى براى تغيير رفتارهاى فردى) به (معادله هاى مهندسى فرهنگى جامعه) ارتقاء بخشد, به گونه اى كه در جلسه هاى مشاوره فرهنگى براى مجموعه ها و سازمانها, احكام اخلاقى اسلام را با زبان مهندسى فرهنگى و برنامه راهبردى براى تحقق آن ارائه نمايد.  
14. بتواند فهرستى از نقاط تعارض و تزاحم مسائل اخلاقى تهيه كند و راه حل آنها را ارائه نمايد, به گونه اى كه مخاطب هنگام رو به رو شدن با اين موارد, بتواند تصميم صحيح بگيرد و رفتار درست را بروز دهد.  
15. بتواند رفتارها و تصميمهاى شخصيتهاى مرجع و الگو (اعم از معصومان, علماء و بزرگان) و وقايع و داستانهاى اخلاقى را براى دستيابى به ملاك تصميم و رفتار, تحليل كند و با شاهدها و مستندها, طورى به مخاطب ارائه بدهد كه موجب فعال سازى او براى ايجاد تغيير در رفتار شود.  
16. بتواند صفات اخلاقى مثبت و منفى را به گونه اى باز كند كه مخاطب در عمل بتواند بازشناسد و اندازه گيرى كند و برنامه قدم به قدم براى تقويت يا اصلاح آن در دست داشته باشد.  
17. مدعيات دوره ها و كلاسهاى موفقيت, ان. ال. پى, آرامش و تمركز ذهن, يوگا, و… را بشناسد و بتواند در يك جدول تطبيقى با ديدگاه هاى اسلام, برترى مدل اسلام را به قضاوت مخاطب بگذارد و برنامه عملياتى براى اجراى مدل اسلام به مخاطب عرضه كند.  
18. مهارتهاى زندگي91 را بشناسد و بتواند بر اساس اخلاق و فرهنگ اسلام, دستورالعملهاى قدم به قدم براى به حقيقت پيوستن اين مهارتها ارائه نمايد.  
19. بتواند براى هر موضوع اخلاقى و فرهنگى, دست كم يك آيه يا روايت ارائه كند.  
20. بتواند شيوه هاى تربيتى اخلاقى مختلف را در يك جدول تطبيقى ارائه دهد و تفاوت شيوه تربيتى عرفان با شيوه تربيتى اخلاق را با شاهدها و مستندها نشان دهد.  
21. چگونگى عملياتى كردن دستورهاى اخلاقى را در كارگاه عملى تمريني92 و كارگاه مديريت فرهنگى, تمرين كرده باشد.  
22. دست كم شاخصهاى رفتارى سه گانه (تواضع, تميزى و نظم) را در خود تبديل به عادت كرده باشد.

### حداقلى قطعى:

بتواند فرهنگ اسلام را در موضوعات و جوانب مختلف زندگى با فرهنگ هاى رقيب مقايسه كند.

### چشم انداز فراگيرانى كه در پايان مقطع اسلام شناسى عمومى اين مهارتها را يافته اند اين گونه است:

(ناظر بيرونى به وضعيت عمومى طلاب, آنان را اين گونه توصيف خواهد كرد):  
ما با افرادى رو به رو شديم كه هركدام داراى كتابخانه اى كوچك, ولى علمى بودند, منابع دست اول, منابع مرجع, اعم از كتاب, مقاله, لوح فشرده, نوار صوتى در يك طبقه بندى منظم كه به سرعت براى بيننده درخور بازشناخت بود قرار داشتند. در هر زمينه علمى پيوسته با رشته اسلام شناسى, منبعى درخور توجه وجود داشت.  
هركدام از اين افراد رايانه اى داشتند كه به جاى موسيقى, عكس و فيلم, دربردارنده يادداشتها و اطلاعات الكترونيكى ديگر بود كه دقيق اسم گذارى شده و دقيق آدرس دهى شده بودند. هر كليد واژه مرتبط با علوم و معارف اسلام و علوم انسانى را كه در قسمت جست و جو وارد مى كرديد, نتيجه اى بازيابى مى شد. اطلاعات, تنها به خاطر جالب بودن گردآورى نشده بودند, بلكه براى هر يك كاربردى ملاحظه شده بود.  
هريك از طلاب, هنگام رو به رو شدن با سؤال و مساله اى, بى درنگ به سراغ منابع و كتابها نمى رود, بلكه كاغذى به دست گرفته و شروع به تفكرى مرحله به مرحله براى حل مساله مى نمايد و سعى مى كند تا پاسخ اوليه را براى مطلب توليد كند. سپس براى بررسى و ارزيابى پاسخ توليد شده, به سراغ منابع مى رود, ولى نه به صورت كور و بدون برنامه, بلكه با تعريف كليدواژهاى تركيبى براى جست و جو, در كم ترين زمان, بيش ترين دستاوردهاى به هم پيوسته را هم از لابه لاى كتابها, هم مقاله ها و هم منابع الكترونيكى, منابع ديدارى و شنيدارى, منابع خطى, از شخصيتهاى علمى, مراكز علمى و در لابه لاى كتابها و يادداشتها و فايل هاى شخصيِ خودش بازيابى مى كند, اعتبارسنجى كرده, دسته بندى مى كند و در يك ساختار منطقيِ علمى و تأليفى به صورت يك نوشته يا سخنرانى ارائه مى نمايد.  
ما طلابى را ديديم كه حوصله و اشتياق مطالعه داشتند و با خواندن چند صفحه از يك كتاب, خسته و بى حوصله نمى شدند و گاه ساعتها مطالعه مى كردند, فكر مى كردند, يادداشت برمى داشتند, كتابها را با هم مقايسه مى كردند و سرانجام مى توانستند نتيجه مطالعات خود را به دقت توضيح دهند.  
هنگامى كه طلاب در يك درس يا سخنرانى علمى شركت مى كردند, به طور دقيق مى دانستند كه اين درس يا سخنرانى, چه اثر و كاربردى دارد و چگونه بايد از آن در زندگى استفاده كرد. طلاب در درسها فقط شنونده نبودند, بلكه فعاليت اصلى درس را كه يافتن پاسخ مسأله و حل مشكلى بود با هدايت استاد به عهده داشتند.  
تمام طلاب, داراى برنامه ريزى دراز مدت بودند و افقهاى 20, 30 و 50 ساله براى خود داشتند و مرحله به مرحله نشاط و انگيزه ادامه راه در آنان بيش تر ديده مى شد.  
گفت و گوى علمى با اين طلاب, در واقع مهيج بود. سخن تو را به دقت گوش مى دادند, سپس به زبان قالبهاى منطقى درمى آوردند اشكال و حفره موجود در تفكرت را با قاعده و مثالهاى درخور درك نشان مى دادند. و هنگامى كه خود استدلال مى كردند, برهان و دليل را قدم به قدم به گونه اى شفاف مى نماياندند كه جاى هيچ گفت و گوى ديگرى باقى نمى ماند.  
در هر موضوعى كه درخواست تحقيق مى شد, طرح نامه تحقيقيِ منسجم و كاربردى اى را تنظيم مى كردند و بر اساس برنامه همان طرح, دستاوردها را ارائه مى نمودند.  
جالب بود كه در هر گفت و گو, وقتى نظر اسلام را راجع به موضوعى قديمى يا جديد مى پرسيديم, بى درنگ آيه اى از قرآن را مى خواندند و آن را از روى قرآنى كه در جيب داشتند نشان مى دادند و مقصود آيه و تطبيق آن بر موضوع را با استناد به تفاسير توضيح مى دادند. همين كار را با احاديث نيز انجام مى دادند و چنان آيات و احاديث را ترجمه مى كردند كه گويا آيات و روايات همين امروز نازل شده است و ما به طور مستقيم مخاطب خداوند و پيامبر هستيم…  
جالب تر اين كه ابتدا جايگاه موضوع را در شبكه موضوعات و مسائل توصيف مى كردند, به گونه اى كه خودِ ما تصويرمان از موضوع دچار تغيير و ارتقاء مى شد, سپس نظر اسلام راجع به موضوع را ارائه مى كردند. فضاى زندگى شهرى, كشورى و جهانى و ديدگاه هاى ديگرى را, كه در فضاى علمى و اجتماعى رواج داشتند و رقيب نظر اسلام به شمار مى آمدند خوب مى شناختند و جدولهاى تطبيقى از آنها را رسم مى كردند و بدون اين كه خودشان ادعا كنند كه نظر اسلام برتر و بهتر است, با ديدن جدولهاى تطبيقى, ناگزير به برترى نظر اسلام اعتراف مى كردى.  
هركدام از آنان كتابى سه جلدى با عنوانِ (اسلام چه مى گويد؟) دارند كه نگاشته خودشان است. در دفتر اول, نگرشها و عقائد اسلام ارائه شده, در دفتر دوم, قانونهاى اسلام و در دفتر سوم فرهنگ و اخلاق اسلام.  
در تمام اين دفترها, نظر اسلام با ارائه آيات و روايات, مستند شده و سپس عقلانيت موجود در آنها با برهان ارائه شده و در نهايت با ديدگاه هاى رقيب مقايسه شده است و در هر قسمت راهكارهاى اجرايى براى تغيير از وضعيت موجود به وضعيت مطلوب عرضه شده است. اين افراد در واقع, آينده ساز و از زمان جلوتر هستند و توانايى اين افراد براى كاربردى كردن معارف دين در زندگى بسيار است.  
مراجعه كنندگان مختلفى را مى ديديم كه هريك با خواسته اى مى آمدند و با دستورالعملى قدم به قدم براى حل مشكل باز مى گشتند. يك نفر مشاوره تحصيلى داشت, نفر ديگر تنظيم قرارداد اجاره اى را طلب مى كرد, ديگرى حل بحران رفتارى موجود در خانواده اش را متقاضى بود, فردى برنامه فرهنگى براى سازمان خود مطالبه مى كرد, طالب حقيقتى به دنبال حركت در مسير شهود الهى بود و راهنماييهاى اوليه را درخواست مى كرد و…  
وقتى به وضعيت زندگى و رفتارى خودشان نيز توجه مى كرديم, مهارت خوبى در اجراى گفته هاى شان ديده مى شد و در يك جمله مى توان گفت:  
اين طلاب, افرادى منطقى و موجه بودند كه هرگاه با هركدام از آنان گفت و گو مى كردى, قوت و استوارى علمى, روحى و رفتارى و جست و جوگرى حقيقت و علم را در آنان درمى يافتى. با ديدن شان به ياد خدا مى افتادى.

### چكيده اهداف آموزشى حوزه هاى علميه در مقطع عمومى

(حداقل هاى قطعى)  
چشم انداز كلى:  
5. نگرش, قانون و فرهنگ اسلام را در امور مختلف زندگى مى داند و مى تواند دانش خود را به گونه اى ارائه دهد (هم گفتارى و هم نوشتارى) كه:  
أ. مخاطب بتواند مفاهيم و مطالب را تصور كند.  
ب. منطقى بودن آن را احساس كند.  
ج. برترى آن بر موارد مشابه را به روشنى دريابد.  
د. (فراگير) بتواند چرايى مطلب را ارائه كند.  
هـ. بتواند در برابر نقدها پاسخ گو باشد.  
و. بتواند به سوالِ (بر اساس چه دليل و مدركى اين مطلب را به اسلام نسبت مى دهيد؟) با استناد به منابع دست دوم, كه بايد مقبوليت نسبى عمومى آنها را اثبات كند, پاسخ بگويد.  
6. بتواند متون دست اول اسلام را براى مخاطب عصر خود, به گونه اى ترجمه كند كه مخاطب احساس كند در فضاى متن قرار گرفته است و بتواند مقصود و مراد گوينده را با استناد به منابع تخصصى توضيح دهد.  
7. اخلاق حرفه اى مربوط به عالم دينى را مى شناسد و رعايت مى كند.  
8. پيش نيازهاى علمى و مهارتى لازم را براى ورود به مقطع تخصص احراز كند.  
حداقل لازم در روش تحصيل:  
بتواند يادگيرى خود را از سطح فهم حافظه اى و فهم اوليه به فهم كاربردى ارتقاء دهد.

### حداقل لازم در منطق:

بتواند گفتارها را به قالبهاى منطقى تبديل كند و برهان يا مغالطه را استخراج نمايد.

### حداقل لازم در روش تحقيق:

بتواند مقاله اى علمى بر اساس ضوابط يك تحقيق معيار بنويسيد.

### حداقل لازم در ادبيات:

بتواند كلام خداوند را ترجمه كند, به گونه اى كه مخاطب علاوه بر تصور معانى, حس ّ موجود در عبارات را دريابد.

### حداقل لازم در دين شناسى:

بتواند دين را به گونه اى بشناساند كه مخاطب علاقه مند به زندگى بر اساس نظرات دين شود.

### حداقل لازم در تفسير:

بتواند وقتى موضوعى مطرح مى شود, آيات راجع به آن موضوع را به سرعت بازيابى كند و پيام خداوند را در آن آيات به گونه اى شرح دهد كه مخاطب بتواند در زندگى به كار ببرد.

### حداقل لازم در حديث:

بتواند احاديث معتبر براى انتقال نظر دين به مخاطب ارائه كند به گونه اى كه مخاطب بتواند در زندگى به كار ببرد.

### حداقل لازم در تاريخ:

بتواند حقايق تاريخى را به گونه اى كشف كند كه براى ايجاد تغيير در آينده بهره بردارى شود.

### حداقل لازم در فقه:

بتواند قوانين خاص در هر موضوعى را از منابع فتوايى بيرون بكشد و برترى و كارآمدى اين قانونها را بر قانونهاى رقيب, عقلاً اثبات كند.

### حداقل لازم در فلسفه:

بتواند شبكه هستى و نگرش دين به هستى را با استناد به برهان  
ترسيم كند.

### حداقل لازم در كلام:

بتواند نگرش دين نسبت به هستى را با استناد به گزاره هاى دين ترسيم كند و برترى اين نگرش بر موارد رقيب را با استدلال عقلى ارائه نمايد.

### حداقل لازم در عرفان:

بتواند امكان رسيده به شهود خداوند, كيفيت اين شهود و مراحل آن را روشن كند.

### حداقل لازم در اخلاق:

بتواند فرهنگ اسلام را در موضوعات و جنبه هاى گوناگون زندگى با فرهنگ هاى رقيب بسنجد.

##### پى نوشتها:

###### 1. غرر الحكم/45. 2. يعنى نگرشهاى اسلام, قانونهاى اسلام و فرهنگ اسلام را مى فهمند, روشن مى كنند, به استدلال و دفاع مى پردازند. 3. يذكركم اللّه رويته, يزيد فى علمكم منطقه, يرغبكم فى الاخره عمله. 4. در برابر زندگى مالى و زندگى اجرايى. 5. فرد عامى كسى است كه در حداكثر حالت, نسبت به موضوع اطلاعات دارد, پرسش گر است, تحليل گر بر اساس تجربيات خود است, مقايسه گر و ارائه دهنده موارد نقض است. 6. نخبه و متخصص, كسى است كه قدرت تبيين, تحليل روش مند, استدلال و نقادى را دارد. 7. يعنى وضعيت عمومى به گونه اى است كه صرف انتقال دانش موجود پذيرش و تغيير رفتار نمى شود و نياز به بازسازى دانش در مخاطب وجود دارد. 8. مقايسه اين شاخصها با وضعيت موجود در حوزه و در سند قبلى, تحول آفرينى منطقى و عمل گرا را نشان خواهد داد. 9. به دليل وظيفه انذار و ابلاغى كه علاوه بر تفقه بر عهده طلاب است, در بيش تر هدفها, توانايى ايجاد اثرى در يك مخاطب مورد لحاظ قرار گرفته است. اين مخاطب اعم از خودِ فرد يا فرد ديگر يا يك گروه است. 10. در كليه اين واحدها, هدفهايى مانند آشنايى با هويت آن علم, تاريخچه و تحولات, ساختار, مبانى و اصول موضوعه, مسائل, منابع و شخصيتها, اصطلاحات, آمادگى براى ارتقاء به سطح بالاتر هدفهاى مشترك و عمومى است كه از ذكر آنها مگر در موارد خاص صرف نظر مى گردد. پس در تمام موارد بايد هدفهاى زير اضافه شوند: , بتواند علم موردنظر را در يك مقاله يا گفت و گو طورى توصيف كند كه مخاطب رابطه آن با زندگيِ خود را حس ّ كند و مشتاق پيگيرى اطلاعات مربوط به آن شود و منابع مطالعاتى طلب كند و بتواند تمايز آن را از علوم همانند توضيح دهد. , بتواند اصطلاح نامه براى علم موردنظر تهيه كند. , بتواند منابع (اعم از شفاهى, چاپى, الكترونيكى) و شخصيتهاى مطرح در اين علم را به گونه اى معرفى كند كه ويژگى و فرق آنان از يكديگر بسته به نياز مخاطب روشن گردد. , بتواند از نرم افزارهاى پيوسته با آن علم استفاده كند. 11. با ذكر خصوصيت مميزه از ريشه مشابه. 12. تفاسير ادبى را اعتبارسنجى كند. 13. براى كسب توانايى در اين امر نياز به سرفصلهاى زير مى باشد: (اين سرفصلها از سند جامع نظام آموزشى حوزه علميه خراسان كه در كميته آموزش شوراى عالى برنامه ريزى مطرح شده است نقل گرديده است). آشنايى با فلسفه حوزه هاى علميه و تاريخچه آنها آشنايى با جغرافياى جهان اسلام و تشيع آشنايى با شخصيتها, نحله ها و فرقه ها, مراكز و مؤسسه هاى اعتقادى و فكرى جريان ساز در جهان, جهان اسلام و جهان تشيع آشنايى با تاريخ سياسى, اجتماعى و فرهنگى يكصد ساله اخير ايران آشنايى با ريشه هاى انقلاب اسلامى و نقش علماى دين در آن آشنايى با مجموعه رشته هاى تحصيلى در علوم اسلامى و انسانى در برهه هاى مختلف در داخل و خارج كشور 14. يعنى طلبه, افزون بر حركت علمى بايد بتواند براى ايجاد ديد علمى و تحقيقى در گروه عمومى مردم فرهنگ سازى كند. 15. مقصود از (بازتوليد), توليد دوباره دستاوردهاى متخصصان و نظريه پردازان علم است. 16. شفافيت و انسجام دو شاخص اصلى (تصورسازى كاربردى) هستند; مقصود از شفافيت اين است كه جامعيت و مانعيت تعريف به گونه اى براى مخاطب درك و دريافت شود كه بتواند در مقايسه ميان موارد مشترك, مفهوم موردنظر را با وجه اختلاف آن تصور كند. و مقصود از انسجام اين است كه جنس و فصل به كار رفته در تعريف با شبكه مفاهيم پايه, در تعارض نباشند. 17. فهرست بديهيات را تهيه كند و كيفيت توليد گزاره ها از بديهيات را در عملكردِ ذهنى قدم به قدم نشان دهد. 18. واحدهاى آموزشيِ دين شناسى, علوم قرآنى و تفسير, علوم حديث, تاريخ و سيره. 19. پس بايد توانايى استفاده كاربردى از منابع دين و استناد به آيات و روايات و تاريخ را داشته باشد. 20. واحد آموزشى (دين شناسى). 21. كلام بين الاديان. 22. كلام بين المذاهب. 23. واحد آموزشى (فلسفه). 24. واحد آموزشى (كلام). 25. يعنى علاوه بر تصور, بفهمد و علاوه بر فهم اوليه, عقلانيت و انسجام آن را درك كند و به سطح فهم كاربردى برساند كه باعث تحريك انگيزه ها و احساسهاى فرد براى بروز عكس العمل مى شود. 26. يعنى بايد نگرش كلان و نظام واره داشته باشد. 27. با شاخصِ مجموعه بايدها و نبايدهايى كه رعايت نكردن آنها موجب مجازات خواهد بود. 28. با شاخصِ مجموعه خوب و بدهايى كه رعايت آنها موجب بهينه سازى و بهره ورى خواهد شد. 29. از آن جايى كه اين مقطع, مقطع تحصيلات عمومى است, سطح استفاده از گزاره هاى دين, سطح تبيين است و نياز به استناد به فتوى (سطح استدلال و سطح نظريه پردازى) دارد. 30. با قراءت شيعه اثنى عشريه از اسلام. 31. مانند كنفرانسها و سمينارها و دوره هاى آموزشى و محافل علمى. 32. اعم از سايتها و اتاقهاى گفت و گو و وبلاگها. 33. با نشانى و راه دستيابى به آنها. 34. معيارهاى فهم اوليه كه براى عموم قابل دسترسى است و ارائه برنامه اجرايى براى به حقيقت پيوستن آنها. 35. پس بايد بتواند ويژگيهاى آيات و ظرفيتهاى معنايى آنها و هويت تفسير را روشن سازد و معيارهاى فهم تحليلى را ارائه كرده, ضرورت تفسير را اثبات نمايد. 36. از جمله, بتواند فيلم نامه هاى مرتبط با قصص قرآن را بر اساس آيات نقد و تحليل و بازسازى كند. 37. با توجه به گستردگى استفاده از حديث در تبليغ و گفت و گوها و رسانه, تمام اين هدفها از اهميت خاصى برخوردار خواهند بود. 38. اعم از درايه الحديث, فقه الحديث و رجال الحديث. 39. بنابراين بايد بتواند به كتابهاى رجالى مشهور مراجعه كند و راوى موردنظر را بيابد (در ميان مشتركها, مصداق موردنظر را تشخيص دهد) و مقصود مولفين از اصطلاحات وارده در اعتبار راوى را بفهمد و معيارهاى عمده براى رفع تعارض بين اقوال رجاليين مشهور را توضيح دهد. 40. فهرستى از احاديث كه در سطح دانشجويى و مانند آن, زياد مورد سوال قرار مى گيرند. نكته: اين گونه فهرستها هرچند وقت يك بار با روشهاى آمارى بايد تهيه و به روز شوند و بر اساس آنها محتواى كتابهاى درسى ويرايش شود. 41. همان. 42. در همين عداد, پاسخ به نقدِ (اين مطلب با عقل سازگار نيست) نيز قرار دارد; يعنى بايد بتواند هنگام استناد به يك حديث معتبر و مواجه با نقد فوق, انسجام محتواى روايت با معادله هاى قطعى عقلانى را نشان دهد يا اثبات كند معادله هاى عقلى مورد نظر ناقد قطعيات نيست. 43. و هر دسته از روايات را به زبان علمِ مرتبط با خود ترجمه كند. در مَثَل روايات مربوط به طب و بهداشت را به زبان پزشكى ترجمه كند. (روش كار را بشناسد, در چند مورد تمرين كند تا بتواند براى بقيه موارد به كار ببرد. اهميت واحد آموزشيِ (موضوع شناسى) براى طلاب در اين جا خود را به خوبى نشان مى دهد.) 44. برگذارى مسابقات در اين زمينه بسيار مفيد و جالب خواهد بود. 45. مقصود از تجزيه در درونمايه هاى تاريخى, كشف اجزاء و متغيرهاى دخيل در تحقق واقعه موردنظر است و مقصود از تركيب در درونمايه هاى تاريخى, كشف پيوندهاى علّى و معلولى, شرط و مانع, مراتب و مراحل تحقق در مورد واقعه مربوط است. 46. اين شاخص در سطح تخصصى به صورت (بتواند با مهندسى مجددِ واقعه, شبيه سازى كند و مدلى از حادثه ارائه نمايد) عرضه مى شود. 47. مباحث تاريخى, فلسفه تاريخ و آينده پژوهى به صورت تركيبى مطرح شوند. 48. اين گونه هدفها با تدوين متون آموزشى فعال, درخور دستيابى است. در مثل در درس, منابع عرضه شوند, يك سناريو از فيلمى در فضاى مرتبط با درس عرضه شود و از فراگيران خواسته شود كه با توجه به قالب سناريو, از منابع تاريخى در اختيار گذاشته شده, سناريوى همانند براى واقعه تاريخى موردنظر بنويسند. 49. اعم از فردى و اجتماعى, گفتارى و رفتارى. 50. دوازده امام و حضرت صديقه طاهره, سلام اللّه عليهم اجمعين. 51. اطلاع از احوال و روحيات تاريخ نگاران در اين علم بسيار اهميت دارد. 52. شخصيتهايى مانند انبياء اولوالعزم, اصحاب خاص پيامبر و ائمه مانند: سلمان, مالك, حضرت زينب, نائب خاص حضرت و… 53. در تمامى اين هدفها, محتواى آموزشى و تمرينها, به گونه اى طراحى شوند كه توصيف وضعيت موجود مسلمين و سير تحولات جهانى با وقايع تاريخ صدر اول و سرمنشاءهاى تحولات مرتبط شوند و تأثير آنها بر مابعد آشكار گردد. بدين ترتيب در ضمن اين واحد درسى و براى نشان دادن كاربرد آن, وقايع مهم تاريخ معاصر و تاريخ جهان نيز بررسى مى شود. 54. فلسفه, كلام, عرفان. نكته: با توجه به گسترش توجه به معنويت در جهان و ظهور و بروز نحله هاى عرفانى مختلف, طراحى واحد آموزشى عرفان اسلامى (عرفان شيعى فقاهتى) ضرورى است. 55. كيفيت, كميت و جهت اثرگذارى و اثرپذيرى بر يكديگر و موقعيت و رتبه هريك از موجودات در اين شبكه. 56. بتواند مقاله يا سخنرانى اى را كه با جمله (ما در جهانى زندگى مى كنيم كه از جهت وجودي… ) آغاز مى شود ارائه كند. بتواند سرمنشاء هستى را با استدلال نشان دهد. بتواند كيفيت خلقت را با استدلال توصيف كند. 57. بتواند به گونه اى عالم وجود و خداوند را توصيف كند كه تصور چنين خدايى مستلزم تصديق به وجود آن باشد. 58. در يك مقاله علمى يا در يك سخنرانى يا در يك گفت و گوى علمى. 59. و در مواردى كه تحليلى تخصصى يافت نشود, بتواند فهم اوليه اى از آنها به صورت روش مند پيدا كند. در مثل بتواند بر گفت و گوى حضرت رضا(ع) با عمران صابى توضيحى ارائه كند يا بتواند نسبت به محتواى احاديث كتاب توحيد صدوق, فهم اوليه اى را در مخاطب پديد آورد. 60. اعم از تفكرات بشرى (كلام بين الايمان و الكفر), و اديان آسمانى (كلام بين الاديان), و مذاهب و فرقه هاى اسلامى (كلام بين المذاهب). 61. در تمام مواردِ (اثبات كند) در علم عرفان, منظور اثبات با برهان عقلى است. (استفاده از شهود براى روشنگرى و استفاده از برهان براى ثابت كردن صدق و اعتبارِ شهود). 62. ويژگيهاى علم حضورى, كيفيت پيدايش و تحولات آن. 63. فعل و فيض خداوند; تجليات اسماء و صفات الهى. 64. بتواند به اين پرسش پاسخ دهد كه (اگر خداوند بى نهايت است و همه جا را پر كرده است پس موقعيت بقيه موجودات چيست؟) 65. مانند: عالم مثال, خيال, ملكوت, جبروت, لاهوت, قوس صعود و نزول, حضرات خمس, احديت, واحديت, وجود منبسط, فيض اقدس و مقدس. 66. بتواند فهرستى از شهودهاى قطعى و روياهاى صادق تهيه كند و از آنها براى تبيين و تذكار كيفيت ربط ملك و ملكوت استفاده نمايد. 67. مانند آيات و روايات توحيديه, برخى خطبه هاى نهج البلاغه, روايات كيفيت انتشاء اسماءاللّه, روايات تجلى و ظهور, لقاء اللّه, مقام ولايت… 68. نمونه و مصداق قابل درك براى مخاطب عرضه كند. 69. اعم از داخلى و خارجى مانند اكنكار, اشو, كاستاندا, ذن, و… 70. اين عبارت, اعم از عبارت رايج در عرف دانشگاهى است و تمام حوزه هاى حق و تكليف در رابطه با خدا, خود, همنوع و محيط را دربر مى گيرد. 71. در مثل ترجمه كتاب الطهاره به سيستم بهداشتى اسلام يا فقه بهداشت, فقه فرهنگ, فقه رسانه, فقه خانواده, فقه حكومت, فقه زن, فقه بين الملل, فقه مجازات, فقه آموزش و… 72. در مثل براى بحث در طهارت يا نجاست الكل, هويت الكل و اقسام آن و تغيير و تبدلهاى آن از كتابهاى علمى مربوط استخراج شود. يا در حكم به حرام بودن ربا, هويت بهره و سود در اقتصاد استخراج شود. 73. اعم از گزاره هاى نگرشى, راهبردى و راهكارى است كه هركدام در شبكه گزاره ها نقش خاص خود را دارد و نتيجه نهايى بايد به صورت برآيند گزاره ها اخذ شود. 74. اصول قانون فهمى (مباحث دلالت و حجيت). 75. مانند مسائلى از نظريه قبض و بسط, هرمنوتيك و فلسفه تحليلى (شاخص, اين است كه هنگام ارائه مقصود شارع از متن قانون, مخاطب بر اساس نظريه اى ديگر, روش استباط را زير سوال ببرد. ) 76. قسمت اصول عمليه. 77. واجب و حرام, بطلان و صحت (مواردى كه به جرم و مجازات مى انجامند). 78. شرايطى كه به بطلان يا حرمت مى انجامند, بايد بتواند در مواجه با يك سؤال به ظاهر ساده از احكام, جوانب محتمل آن را كه در نظر سؤال كننده نيست با پرسشها كاشف, به دست آورد و سپس پاسخ سؤال كننده را بدهد. يكى از ارزيابيها كه حتماً بايد در درس فقه انجام بگيرد, ارزيابى مهارت مسأله گويى است كه در مَثَل وقتى دو نفر مراجعه مى كنند و تقاضاى عقد ازدواج دارند, فراگير فقط سؤال از مهر كند, يا پس از دست كم پانزده سوالِ مختلف از سن دختر, اذن ولى, ازدواج قبلى, علم به مهريه و… اقدام به اجراى صيغه عقد مى نمايد. 79. بيان كليات و فرضهاى شرطى و واگذار كردن تطبيق و تشخيص ها به مكلف در بيش تر موارد راهگشا نبوده است. 80. مهارت استفاده از علل الشرايع و فلسفه احكام. 81. بويژه چگونگى كيفيت توليد احتياطها. 82. مانند داد و ستدهاى بين المللى, داد و ستدهاى حكومتى, داد و ستدهاى انحصار آور. 83. در مَثَل اخلاق مديريت, اخلاق خانواده, اخلاق حكومت, اخلاق رسانه, اخلاق آموزش, اخلاق پزشكى, اخلاق بين الملل, اخلاق نقد, اخلاق جنسى, اخلاق زيستى و… 84. در مَثَل براى بحث در اخلاق پزشكى, فضاى حاكم بر سيستم بهداشت و درمان استخراج شود. 85. مبانى نگرشى توليد اعتباريات در بحث از مكتبهاى حقوقى و اخلاقى ارائه مى شوند. 86. در بحث شخصيت و هويّت, رفتار, لايه هاى شخصيتى, مراحل رشد, تربيت, مدلهاى تربيت, منشاء ناهنجاريهاى رفتارى, مديريت احساس, هوش هيجانى, انگيزش و… 87. در فضاى موضوع شناسانه. 88. كه گرفته شده از متخصصان رشته اخلاق و فرهنگ اسلامى است. (اين هدف در سطح تخصصى تبديل به استخراج نظر اسلام و اثبات برترى آن, مى شود). 89. در بحث نياز, رفتارهاى اجتماعى, گروه هاى اجتماعى, ارزشهاى اجتماعى, فرهنگ, جامعه پذيرى, اقشار اجتماعى, هنجارها و ناهنجارى هاى اجتماعى, توسعه انسانى, و… 90. رسانه و فرهنگ سازى رسانه اى, تبليغات و جنگهاى روانى, بازى ها و مدها و… را موضوع شناسى كند. 91. مانند: مهارت تصميم گيرى, مهارت تفكر و حل مسأله, مهارت نقد, مهارت ارتباط مؤثر, مهارت مشاركت و… (بتواند مهارتهاى لازم را براى زندگى بر اساس نگرش اسلام تعريف و تدوين كند. ) 92. در مَثَل براى خوش خويى و مهار غضب در كارگاه مديريت احساس شركت كند و با موقعيتهاى شبيه سازى شده طغيان غضب رو به رو شود و عكس العمل خود را مديريت كند و راهكارهاى ارائه شده توسط استاد را به كار ببندد و با مشكلات و بازدارنده ها مواجه شود و راه حل آنها را به دست بياورد و دوباره به كار ببرد. يا در كارگاه حضور قلب در نماز شركت كند و…

پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم